

مدلولات تربیت عقلانی در هندسه معرفت‌شناختی ابو حامد غزالی و صدرالمطالین

محمد علایی *

سعید بهشتی **

احمد سلحشوری ***

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۰۳

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۱/۲۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تحلیل تطبیقی بنیان‌های معرفت‌شناختی بر اساس دیدگاه‌های غزالی و ملاصدرا و استنتاج مدلولات آن در حوزه‌ی تربیت عقلانی با تأکید بر اهداف، اصول و روش‌های تربیتی آن است. یافته‌های حاصل حاکی از این است که نخست هر دو صاحب‌نظر در زمینه امکان کسب معرفت شناخت حقایق جهان هستی را برای همه‌ی انسان‌ها می‌دانند. همچنین با توجه به نظراتی که پیرامون منابع معرفتی که هر یک ارائه می‌دهند به تبع آن روش‌های کسب معرفتی گوناگونی پیشنهاد داده‌اند. با توجه به این مبانی، مدلولات تربیت عقلانی در قالب اهداف، اصول و روش‌های تربیتی قابل استخراج است. برخی از اهداف از دیدگاه غزالی عبارت‌اند از: منطبق بودن علوم با واقعیات، گذر از معرفت عقلانی به معرفت وحیانی و... برخی از اصول عبارت‌اند از: تحصیل معرفت وحیانی، تکیه بر شواهد علمی، خودشناسی و خلوت‌گزینی، و... پاره‌ای از روش‌های تربیتی شامل: علم‌آموزی، الگوسازی، مشورت با خردمندان، غفلت زدایی و... پاره‌ای از اهداف از نظر ملاصدرا عبارت‌اند از: تلاش در جهت عروج نفس به عالم عقل، ارتحال از عالم عین به عالم علم، ارائه علوم بر اساس سلسله‌مراتب؛ و بعضی از اصول تربیت عقلانی عبارت‌اند از: اندیشه ورزی و تعقل، کمال‌یابی، تکیه بر شهودگرایی در آموزش معارف و... برخی از روش‌های تربیتی شامل: اشتداد وجودی (صیروت)، پرهیز از سطحی‌نگری و آینده‌نگری، تکیه بر شهودگرایی و پرهیز از تجربه‌گرایی محض، توجه به روش‌شناختی‌های مختلف مطالعات علمی و تکیه بر دروس مفاهیم کانونی.

کلیدواژه‌ها: معرفت‌شناسی؛ تربیت عقلانی؛ غزالی؛ صدرالمطالین.

* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، پردیس خودگردان دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران.

M.laee1353@gmail.com

Beheshti@atu.ac.ir

** استاد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران.

*** دانشیار، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران.

Ah.salahshoor@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

انسان موجودی است که می‌تواند از نیروی تفکر برخوردار باشد و به همین دلیل بر سایر موجودات برتری دارد. به طوری که سایر ابعاد وجودی وی، از جمله جنبه‌های عاطفی و اجتماعی او در حد وسیعی تحت سیطره جنبه عقلانی قرار دارد. در اندیشه اسلامی نیز به پرورش جنبه‌های عقلانی در ساماندهی به نظام فکری یا ایدئولوژی انسان اهمیت زیادی داده شده است. به گونه‌ای که برخی اعتقاد دارند که از ویژگی‌های اصلی تربیت اسلامی تکیه بر عقل و تأکید بر جنبه عقلانی است (شریعتمداری، ۱۳۸۲: ۴۹). باین وجود، بعد عقلانی که به عنوان یک استعداد در وجود آدمی نهاده شده است، به خودی خود شکوفا نمی‌گردد بلکه برای پیمودن منزل سعادت و راه تکامل نیاز به هدایت و تربیت دارد و اینجاست که تربیت عقلانی به معنی ایجاد شرایط مناسب برای پرورش تفکر انسان، ضرورت پیدا می‌کند (ملکی، ۱۳۷۹: ۵۰۲).

شرط توفیق تربیت در سایر جنبه‌ها مانند بعد عاطفی، اخلاقی و اجتماعی انسان، معطوف به تربیت عقلانی است و برای تربیت بعد الهی و معنوی انسان نیز باید به تربیت عقلانی وی همت گماشت (مرزوقی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱۶). شخصیت انسان از جنبه‌های گوناگون جسمی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و عقلانی تشکیل می‌شود. در میان این جنبه‌ها، جنبه عقلانی برجستگی خاصی دارد و هم چون چراغی فروزان بر تارک وجود آدمی می‌درخشد. عقل، پایه انسانیت و به تعبیری «فصل ممیز» انسان از دیگر حیوانات است. عقل، هم سرچشمه پرفیض علوم و معارف بشری است و هم مبدأ صدور تمامی کردارهای نیک انسانی. افزون بر این، در عرصه تربیت، پرورش عقل، رکن رکن پرورش دیگر شئون آدمی است (بهشتی، ۱۳۷۹: ۵۰۶). این نکته بسی درخور توجه است که در زمانی که بر خورد اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها و مکاتب پیش از گذشته احساس می‌گردد، ضروری است که مسائل فلسفی با رویکردی تطبیقی مورد بحث قرار گیرد. اگر ما نگرش‌های علمی و فلسفی را در همان چارچوب کلاسیک و سنتی که در گذشته مطرح شده دنبال نماییم، شاید این نگرش‌ها مدت‌های مدید در همان محدوده گذشته خود باقی و ثابت بماند، و تحولی چندان نیابد و تنها جنبه تاریخی خود را حفظ نماید. ولی با توجه به تحولات علمی در صورتی که بتوانیم به صورتی تطبیقی مسائل پیشین را ارائه دهیم و نظر همگان را به آن‌ها جلب نماییم، عظمت فکری و اوج اندیشه صاحبان نظریه‌هایی چون حرکت جوهری و وحدت وجود و فلسفه اشراق و ده‌ها

نظریه برجسته دیگر بهتر و دقیق‌تر ظاهر می‌گردد و تفکرات خلاق اندیشمندان و ظرایف فکر آن‌ها در قلمرو فرهنگ اصیل اسلامی به یمن پژوهش‌های پیوسته، به تدریج در افق فلسفه اسلامی ظاهر می‌شود و همگان از این گستره دانش و فرهنگ غنی بهره‌مند می‌شوند. البته مقصود از مقایسه، انطباق محض نیست، بلکه هدف بهتر نشان دادن تفکرات عقلی در فلسفه اسلامی است که در این مقایسه وجوه امتیاز و اختلاف در قلمرو زبان علمی و بنیان‌های فلسفی علوم روشن‌تر از گذشته پدیدار می‌گردد. از آن جایی که باید به دین، به مثابه آیین حیات طیبه و نظام معیار حاکم بر همه شئون آن در متن زندگی توجه داشت، ساماندهی جریان تربیت و همه مؤلفه‌های آن، که مهم‌ترین زمینه تحقق حیات طیبه‌اند، باید در چارچوب نظام معیاری صورت پذیرد که مبانی و ارزش‌های آن بر آموزه‌های اسلامی (مفاهیم و گزاره‌هایی که به‌طور روشمند از منابع معرفتی معتبر اسلام - یعنی قرآن، سنت پیامبر اکرم (ص) و معصومین (ع) و عقل - و یا در چارچوب آن‌ها برحسب فرایند اجتهاد استخراج و استنباط شده‌اند) استوار و یا با آموزه‌های اسلامی سازگار باشند. بنابراین، با آنکه در شناخت و جهت‌دهی فرایند تربیت باید از یافته‌ها و نتایج انواع دانش بشری استفاده شود، لیکن با توجه به لزوم هدایت انسان بر اساس پذیرش ربوبیت تشریحی خداوند متعال به‌عنوان رب یگانه جهان و انسان جهت‌آسی جریان تربیت و مؤلفه‌های اساسی آن را نظام معیار اسلامی (مبانی و ارزش‌های مبتنی بر دین اسلام یا سازگار با آن‌ها) مشخص می‌نماید، که این ویژگی مهم‌ترین وجه تمایز تربیت در دیدگاه اسلامی از تربیت سکولار رایج محسوب می‌شود. لذا بهره‌مندی مناسب از ذخایر ارزشمند فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی در همه مراحل و انواع تربیت و نیز زمینه‌سازی برای تعامل فرهنگ بومی با دیگر فرهنگ‌ها، از مهم‌ترین سازوکارها برای تکوین و تعالی هویت ملی‌متریبان خواهد بود. بدین منظور پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به دو سؤال کلی بدین قرار است؛ نخست، وجوه اشتراک و افتراق میان مبانی معرفت‌شناختی غزالی و صدرالمتألهین چیست؟ دوم؛ این مبانی چه مدلولاتی را در عرصه تربیت عقلانی با تأکید بر اهداف و روش‌ها برای ما به ارمغان خواهد آورد؟ لذا این پژوهش بر آن است تا با تأمل و واکاوی در خصوص مهم‌ترین ارکان و بنیان‌های معرفت‌شناختی شامل: چیستی معرفت، اهداف و غایات معرفت، انواع معرفت، مراتب و مراحل معرفت، معیار صدق معرفت و روش‌های تحصیل معرفت، موانع شناخت و ماهیت عقل از منظر غزالی و صدرالمتألهین تصویری حدالامکان جامع فراهم آورده و مدلولات آن را در حوزه تربیت عقلانی با تأکید بر اهداف و روش‌ها ارائه نماید.

مبانی نظری

معرفت‌شناسی: مطالعه و تحقیق درباره شناخت یا معرفت یا شیوه و عیار عقل، پدیدآورنده یکی از علوم فلسفی به نسبت جدید است، که اصطلاحات «معرفت‌شناسی» یا «شناخت‌شناسی» خوانده می‌شود. در این علم است که یک‌رشته پرسش‌های فلسفی درباره شناخت مطرح می‌گردد و پاسخ داده می‌شود. پرسش درباره ماهیت شناخت، امکان شناخت، راه شناخت، حدود شناخت و مناظ صدق و کذب شناخت، از جمله مهم‌ترین‌ها است (بهشتی، ۱۳۸۹: ۱۶۲).

مدلول‌های تربیتی: قبل از معرفی و مقصود ما از مدلول‌های تربیتی در این پژوهش شایسته است بحثی مفهوم‌شناختی را در باب مفهوم این عبارت با توجه به دیدگاهی که اخیراً در این باره ارائه شده اشاره نماییم. دلالت از مفاهیم ذات اضافه است که مانند هر مفهوم اضافی - به اصطلاح منطق - قائم به دو طرف است: دال و مدلول. منطق دانان، دلالت را این‌گونه تعریف می‌کنند: «بودن شیء به گونه‌ای که ذهن از علم به وجود آن به وجود شیء دیگری منتقل گردد». شیء اول «دال» و شیء دوم «مدلول» نامیده می‌شود. دلالت سه قسم است: عقلی، طبیعی، وضعی. زیرا دلالت چیزی بر چیزی دیگر، بدون سبب حاصل نمی‌شود و این سبب بنا بر استقراء سه قسم است:

الف) ملازمه ذاتی دال و مدلول، که ملازمه‌ای عقلی است؛

ب) ملازمه طبیعی دال و مدلول که مقتضای طبع آدمیان است و بر حسب اختلاف طبایع انسان‌ها مختلف است؛

ج) ملازمه وضعی دال و مدلول، که قائم به قرارداد است (بهشتی، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

...دلالت گزاره‌های فلسفی و از جمله گزاره‌های معرفت‌شناختی بر گزاره‌های تربیتی، دلالتی ترکیبی از نوع «عقلی لفظی» است. زیرا، اگر عقلی محض دانسته شود، مخدوش است؛ چرا که چنین دلالتی صرفاً ناظر به ملازمه دو واقعیت خارجی است، در حالی که انتقال ذهنی از معانی و مفاهیم فلسفی و نظری هست‌شناسانه به معانی و مفاهیم تربیتی و عملی باید شناسانه، بدون ریزش و چینش آن‌ها در ظرف الفاظ و قالب واژگان، ارزش جمعی و گروهی نداشته، در همان محدوده و دایره اذهان باقی خواهد ماند و قابل انتقال به دیگران نخواهد بود؛ و اگر لفظی محض، که قسمی از مقسم اصلی‌اش یعنی وضعی است تلقی گردد، منقوض است؛ زیرا دلالت لفظی، تابع وضع واضح و جعل جاعل و اعتبار معتبر است. در حالی که دلالت گزاره‌های فلسفی بر گزاره‌های تربیتی، وضعی

و جعلی و اعتباری نیست، بلکه عقلی و استنباطی است (همان: ۱۵۴).

بنابراین در پژوهش حاضر نیز، به جای اصطلاح قابل مناقشه «دلالت‌های تربیتی»، از اصطلاح دقیق‌تر «مدلول‌های تربیتی» ترجیحاً استفاده گردیده است. و مدلول‌های تربیتی دیدگاه‌های معرفت‌شناختی غزالی و صدرالمتهلین را در قلمرو تربیت عقلانی با تأکید بر اهداف و روش‌های آن معرفی خواهیم کرد.

تربیت عقلانی: تربیت عقلانی مفهوم نسبتاً جدیدی است که اخیراً در گفتمان‌های تربیتی مبتنی بر فلسفه تربیت اسلامی رایج گردیده است. «تربیت عقلانی» به مجموعه تدابیر و طرقی گفته می‌شوند که به طور منظم و سازمان‌یافته، موجبات رشد و پرورش عقل را در دو جنبه نظری و عملی آن و در جهت دستیابی به اهداف مطلوب فراهم می‌آورند گفته می‌شود (بهشتی، ۱۳۷۹: ۵۰۸).

در این بخش، مجموعه‌ای از مباحث مرتبط با ابعاد و زوایای موضوع پژوهش به شرح ذیل مطرح می‌گردد. معرفت‌شناسی چهار حوزه‌ای را در برمی‌گیرد که به سؤالاتی در مورد منابع کسب معرفت و انواع معرفت پاسخ می‌دهد. در نتیجه چگونگی سازمان‌دهی، فرصت‌های یادگیری و راهبردهای آموزشی تحت‌الشعاع این حوزه قرار می‌گیرد (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳؛ به نقل یارمحمدیان، ۱۳۸۶: ۴۵). معرفت‌شناسی مبنایی‌ترین جهت‌گیری نظام‌های آموزشی است و دانش «معرفت‌شناسی» به پژوهش درباره‌ی علم، معرفت، مبادی، مبانی، آثار و لوازم آن می‌پردازد (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸؛ به نقل قائمی‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۹). معرفت‌شناسی به‌طور مطلق، دانشی است که درباره تعریف معرفت، امکان معرفت، انواع معرفت، راه‌ها و ابزارهای کسب معرفت، معیار صدق معرفت، معیار توجیه و اعتبار انواع معرفت‌ها بحث می‌کند (رشیدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۸؛ به نقل مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۸۸). پاسخ به مسائل مربوط به معرفت‌شناسی در هر جامعه و در هر نظام آموزشی برگرفته از پاسخ به مسائل جهان‌بینی و فلسفه حاکم بر آن جامعه است (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲). از دیدگاه وسیع، واژه عقل شامل تمام فرایندهای ذهنی مرتبط با دانش است که از عقل قوه تشخیص امور صالح از فاسد در زندگی مادی و معنوی (مربوط به عقل عملی) است (بهشتی، ۱۳۸۶: ۴۹). بدون تردید تربیت عقلانی در تربیت مطلوب سایر جنبه‌های وجودی انسان نقش اساسی و عمده‌ای ایفا می‌کند و راه کسب توفیق در تربیت دینی، سیاسی، اجتماعی به تربیت آن منوط است؛ پس شرط توفیق در تربیت اجتماعی، سیاسی و ... تربیت مطلوب عقلانی است و

تربیت عقلانی شالوده دیگر انواع تربیت به شمار می‌رود (ملکی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۱). معرفت‌شناسی در فلسفه اسلامی به دو دوره اصلی تقسیم می‌شود: معرفت‌شناسی در دوره قدیم فلسفه اسلامی و معرفت‌شناسی در دوره معاصر فلسفه اسلامی (همان: ۷۸). به نقل از کرد فیروزجایی، ۱۳۹۳: ۱۰-۲۴). معرفت‌شناسی در فلسفه اسلامی، نخستین بار، در قرن یازدهم هجری و به وسیله ملاصدرا با عنوان مسائل شناخت‌شناسانه مطرح گردید و در دوره معاصر به وسیله علامه محمدحسین طباطبایی (ره) تبدیل به یک حوزه مستقل فلسفی شده است، علامه طباطبایی در مقالات دوم تا ششم کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» مباحث معرفت‌شناسانه بدیعی در فلسفه اسلامی ارائه کرده است. (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷؛ به نقل فروغی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۲۵).

پیشینه پژوهش

در این قسمت، به پاره‌ای از پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها، مقالات مرتبط با موضوع اشاره خواهیم نمود:

اعظم تفکر باری (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود با عنوان «توانایی عقل در دستیابی به معرفت از دیدگاه غزالی» به این نتایج دست یافته است: مؤلف در فصل اول حیات و مبانی فکری غزالی، و در فصل دوم مبانی انسان‌شناسی غزالی را توضیح داده است. در فصل سوم به معرفت‌شناسی غزالی از جمله: مراتب معرفت نزد وی و شیوه غزالی برای وصول به معرفت پرداخته است. فصل چهارم هم به توانایی عقل در رسیدن به معرفت یقینی و اعتبار و کارکردهای آن نیز اشاره کرده است. همچنین مصطفی شمس‌الدینی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود با عنوان «مبانی معرفت‌شناختی از دیدگاه غزالی» به این نتایج دست یافته است: این پژوهش به بررسی ارتباط مستقیم میان مباحث مربوط به شناخت و معرفت با تعلیم و تربیت و یادگیری، و نقش و تأثیر آن‌ها در رشد و شکوفایی فردی و اجتماعی افراد و نظام‌های آموزش پرداخته است. تأکید نگارنده بر آن است که معرفت‌شناسی، ملاک و معیار اصلی در گزینش و انتخاب روش‌های تدریس به شمار می‌رود، و در حقیقت به عنوان گنجینه اصلی حرفه مربیان قلمداد می‌شود. ضمن اینکه در این پژوهش به ابزارهای معرفت و مؤلفه‌های آن اشاره کرده است. احمد کدخدایی (۱۳۹۳) نیز در پایان‌نامه خود با عنوان «مبانی معرفت‌شناختی اندیشه‌های کلامی و عرفانی غزالی» به این نتایج دست یافته است: این تحقیق درصد بررسی مبانی اندیشه‌های کلامی و عرفانی غزالی بوده است. یعنی عهده‌دار بررسی حجیت

و اعتبار منابع معرفت‌شناختی در دو دوره فکری غزالی اعم از کلامی و عرفانی بوده است. این پژوهش پس از ذکر مقدمات لازم درباره نظام اندیشه غزالی و تحولات روحی و معنوی وی و نیز نحوه تعامل او با گروه‌های علمی زمان، به تبیین و بررسی نقش منابع معرفتی در کلیت اندیشه او پرداخته است. و اینکه آیا عوامل معرفت‌شناختی در انگیزه غزالی در مخالفت با اندیشه‌های فلسفی و گرایش او به سمت عرفان و عزلت‌نشینی داشته‌اند. عبدالسعید محمد شفیعی (۱۳۸۶) در پایان‌نامه خود با عنوان «تبیین معرفت‌شناختی حکمت متعالیه صدرایی و دلالت‌های تربیتی آن» به این نتایج دست یافته است: وی تحقیق خود را با بررسی مفهوم و امکان شناخت، ابزارهای شناخت و مراتب شناخت در حکمت متعالیه ملاحظه‌را پیگیری کرده و در نهایت در پی دست یافتن به استنتاج دلالت‌های تربیتی از مبانی معرفت‌شناختی حکمت متعالیه در حوزه‌ی اصول تربیت است. فعالیت و خلاقیت نفس، انعطاف‌پذیری، تدریجی بودن، مداومت، فردیت، درونی بودن، جامعه‌پذیری خلاق و تنوع در کاربرد روش‌های آموزشی از جمله مهم‌ترین اصولی هستند که وی بر اساس یافته‌هایش به آن‌ها اشاره می‌کند. همچنین مهدی مظاهری (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی و تحلیل دیدگاه‌های معرفت‌شناسی ملاحظه‌را و دلالت‌های تربیتی آن» به این نتایج دست یافته است که: صدرا هرگونه ثنویت را در نظام فلسفه‌ی خود طرد می‌نماید و یک نظام درهم‌تنیده و منسجم فلسفی پدید می‌آورد به گونه‌ای که مبانی هستی‌شناسی آن چون اصالت وجود، وحدت تشکیکی وجود و حرکت جوهری که از مباحث اصلی هستی‌شناسی فلسفه‌ی اوست کاملاً در مباحث معرفت‌شناسی وی نیز دخیل و تأثیرگذار است. برخی از دلالت‌های تربیتی مترتب بر معرفت‌شناسی وی را می‌توان به شرح ذیل بیان نمود: اهداف تربیت صدرایی در قالب دو رویکرد نتیجه‌محور و فرایند‌محور قابل تبیین است. مبانی تربیتی: طرد ثنویت نفس و بدن (درهم‌تنیدگی نفس و بدن)، مساوقت علم با وجود، وحدت تشکیکی علم، تجرد شناخت، طرد حصر علم در علم تجربی و... در نظام تربیت صدرایی قابل تبیین و استنتاج است. همچنین برخی از اصول تربیت صدرایی عبارت‌اند از: جامع‌نگری در علم، اسناد، تفرد، خودشناسی، توجه به مراتب نیاز و استعداد‌های آدمی، ارزشمندی علم، تعلیم و تعلم؛ ضمن آنکه درون‌نگری، حکمت‌آموزی، سیر آفاقی، سیر انفسی، بسترسازی جهت تحقق کشف و... نیز از روش‌های تربیت صدرایی مبتنی بر وجه معرفت‌شناسی فلسفه وی است. علیرضا شواخی (۱۳۹۱) در رساله دکتری خود با عنوان «تحلیل مبانی معرفت‌شناسی صدرایی به‌منظور ارائه‌ی چشم‌انداز تربیت متعالیه» به این نتایج دست یافته است:

مبانی اساسی معرفت‌شناسی صدرایی در دو حیطه‌ی وجود‌شناسی و معرفت‌شناسی عبارت‌اند از؛ الف) مساوق بودن معرفت با وجود، ب) کل قوا بودن نفس ناطقه‌ی انسان، پ) اتحاد عالم، معلوم و علم، ث) تقدم عقل نظری بر عقل عملی، ج) برقرار بودن موازنه میان عالم محسوس و عالم معقول و ت) سلسله مراتبی بودن معرفت. عناصر مهم تربیتی یعنی هدف، برنامه‌ی درسی، معلم، متعلم و روش تدریس با عنایت به مبانی مذکور، عناصر تربیتی در این دیدگاه از خصایص و ویژگی‌های خاصی برخوردارند که می‌توانند فراگیر را به خود آفرینی سوق و نور عقلی یعنی ایمان را در وی متجلی سازند. چشم‌انداز تربیتی منتج از چنین مبانی بر حقیقت تربیت تأکید می‌کند، که در این صورت تربیت در عین وحدت و حفظ یگانگی، مانند حقیقت وجود از کثراتی چون کثرت شدت و ضعف، بیشی و کمی و برتری و کهتری برخوردار می‌سازد؛ نتیجه‌ی دیگر پژوهش بیان می‌دارد که بین عناصر تربیتی چشم‌انداز باید موازنه برقرار باشد، این موازنه هم در هر مرتبه‌ی معرفتی و هم در مراتب طولی معرفت واقع می‌گردد. محمد خداوردی پور (۱۳۹۱) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی نظریه وجود ذهنی در حکمت متعالیه صدرایی و مدل‌های تربیتی آن» به این نتایج دست یافته است: این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بخش مهمی از مبانی معرفت‌شناختی فلسفه‌ی حکیم صدرالمطالین (مسئله‌ی وجود ذهنی) پرداخته و سپس مدل‌های تربیتی آن را که عبارت‌اند از: «اصل جهت‌دهی فکری متری از کثرت قسمی خارجی به وحدت مقسمی ذهنی»، «اصل جایگزین‌سازی نگاه وجود‌شناسانه به علم به‌جای نگرش عرض‌پندارانه»، «اصل جایگزین‌سازی رویکرد معناگرا به‌جای رویکرد ماده‌انگار» و... با استفاده از روش تحلیل متن، استخراج کند. علی خالق خواه (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «رابطه عقل و دین از دیدگاه غزالی و اشارات آن در تربیت دینی بر اساس باورهای ایمان‌گرایانه غزالی»، نشریه پژوهش‌های علم و دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۲، زمستان ۱۳۹۳، به این نتایج دست یافته است: دیدگاه ایمان‌گرایانه غزالی و آثار و دلالت‌های این دیدگاه بر تربیت دینی بررسی شد. و تربیت دینی را بر اساس سه گروه (عوام، خواص اهل برهان و خواص اهل عرفان) بررسی نموده و ویژگی‌ها، اهداف و اصول تربیت دینی را از منظر هر یک برشمرده است. ملیحه محمودی بیات (۱۳۹۳) در مقاله خویش با عنوان «ترابط عقل و ایمان از دیدگاه غزالی و ملاصدرا»، مجله فلسفه دین، ش ۴، زمستان ۱۳۹۳، به این نتایج دست یافته است: وی در این تحقیق خاطر نشان ساخت که غزالی ایمان را ارزشمندتر از عقل می‌داند؛ وی گرچه عقل نظری را پذیرفته، آن را در درک و فهم

دین ناتوان دانسته است. به همین دلیل، حتی ایمان مردم عوام را به عقل فلسفی ترجیح می‌دهد. اما ملاصدرا، گرچه به محدودیت‌های عقل اشاره کرده است، به مباحث عقلانی در حوزه دین بسیار ارزش می‌دهد و ایمان را نیز نه تنها مغایر با عقل ندانسته، بلکه آن را نوعی علم و تصدیق معرفی کرده است. سعید بهشتی (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «کاوش‌هایی در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بر مبنای شماری از دیدگاه‌های معرفت‌شناختی صدر المتألهین»، فصلنامه اندیشه نوین دینی، ش ۲۶، پاییز ۱۳۹۰، به این نتایج دست یافته است: وی به برخی از دیدگاه‌های معرفت‌شناختی صدرالمتألهین به قرار ذیل پرداخته است: ۱. بدیهی و بین بودن علم؛ ۲. وجودی و از سنخ وجود بودن علم؛ ۳. رابطه اتحاد وجودی علم و عالم؛ ۴. رابطه ماهوی علم و معلوم؛ ۵. تجرد علم. و سرانجام مدلول‌های تربیتی این دیدگاه‌ها در قالب اصول تربیتی، استنباط و طبقه‌بندی گردید. این اصول عبارت‌اند از: اصل جهت‌دهی حرکت فکری متربی از کثرت قسمی خارجی علم به وحدت مقسمی ذهنی آن، اصل گزینش و آموزش مواد برنامه درسی با معیار تعالی وجودی متربی، اصل جایگزین سازی نگاه وجود شناسانه به علم به جای نگرش عرض پندارانه، اصل گزینش و آموزش مواد درسی معرفت بنیان، به جای مواد درسی مظنون، مشکوک و موهوم، اصل گزینش و آموزش مواد درسی ناظر به واقع، اصل توسعه مداوم مرزهای وجود ذهنی جهان‌نما، اصل جایگزین سازی رویکرد معناگرا، به جای رویکرد ماده‌انگار، و اصل جایگزین سازی نگاه جاودانه انگار، به جای رویکرد فنا پندار. محمدرضا شمشیری (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «اصلاح تربیت در هندسه صدرایی؛ با تأکید بر چهارگانه مراحل، اهداف، اصول و روش‌ها»، نشریه خردنامه صدرا، ش ۸۶، زمستان ۱۳۹۵، به این نتایج دست یافته است: وی دلالت‌های تربیتی حکمت صدرایی را ناظر به اهداف، مبانی، اصول و روش‌ها این گونه صورت‌بندی نمود: ۱. ملاصدرا اهداف غایی تربیت را مکاشفه وجه حق و معرفت، استکمال وجودی و رشد درونی و ذاتی نفس، کمال عقل نظری و رسیدن به عقل مستفاد و درک حضوری حقایق هستی دانسته در این راه بسته به مراتب نفس، هدف‌های مرحله‌ای خاصی را به‌عنوان اهداف واسطه‌ای مطرح نموده است. ۲. طرد ثنویت نفس و جسم، مساوت علم با وجود، وحدت تشکیکی علم، تجرد شناخت، طرد حصر علم در علم تجربی، مطابقت علم با واقع، اکتشافی بودن علم، ثبات و ابداعی بودن علم، تناظر مراتب علم با نیازهای آدمی و پویایی علم از جمله مهم‌ترین مبانی مورد استفاده در این نظام است. ۲. بر این اساس می‌توان اصول تربیت را در حکمت صدرایی متناظر با دیدگاه فلسفی و حکمی او نتیجه

گرفت؛ مانند: پرورش قوای حسی، پیوستگی و استمرار تربیت اخلاقی، تغییر، اصلاح و بازآفرینی، اندیشه ورزی خلاق و...۳. روش‌های مطرح در حکمت صدرایی بر اساس پرورش حس، پرورش تخیل و پرورش عقل به سمت به‌کارگیری فعال حواس، پرورش و جهت‌دهی خلاقیت و ابداع و پرورش قوای عقلی تنظیم و بیان گردیده است.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش تحلیلی و روش تطبیقی (بردی)^۱ و نیز روش استنتاجی^۲ استفاده گردیده است. در این پژوهش پس از مشخص شدن پرسش‌های پژوهشی، از اسناد مربوط، بهره گرفته شده و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. ابتدا منابع مرتبط اعم از منابع دست‌اول و دست‌دوم اعم از پایگاه‌های اطلاعاتی مرتبط شناسایی شدند. سپس متن خوانی، فیش‌برداری و استخراج مطالب مورد نظر آغاز گردید. جامعه تحلیلی این مطالعه شامل: منابع و آثار دست‌اول مربوط به غزالی و صدرالماتلهین از قبیل: احیاء علوم الدین، کیمیای سعادت، المنقذ من الضلال و الاسفار الاربعه، الشواهد الربوبیه، کسر اصنام الجاهلیه، رساله التصور و التصدیق و... به همراه شرح و

^۱ در روش تطبیقی (جرح.ف.بردی) که خاص مطالعات تطبیقی است چهار مرحله مشخص وجود دارد که عبارت‌اند از: ۱- مرحله توصیف (Description): در این مرحله پژوهنده باید به توصیف نموده‌ها و پدیده‌های موردتحقیق بر اساس شواهد و اطلاعاتی که از منابع مختلف چه از طریق مشاهده مستقیم و یا مطالعه اسناد و گزارش‌ها دیگران به دست آورده است بپردازد. ۲-مرحله تفسیر (Interpretation): این مرحله شامل واری‌اطلاعاتی است که در مرحله اول پژوهشگر به توصیف آن پرداخته است. ۳-مرحله هم‌جواری (Juxtaposition): طی این مرحله اطلاعاتی که از صافی مراحل اولیه (۱و ۲) گذشته طبقه‌بندی می‌شوند و پهلوی هم قرار می‌گیرند و چهارچوبی فراهم می‌شود که راه را برای مرحله بعدی، یعنی مقایسه تشابهات و تفاوت‌های نمود یا پدیده موردتحقیق، هموار می‌نماید. ۴-مرحله مقایسه (Comparison): در این مرحله "مسئله تحقیق" که در این مراحل قبلی علی‌الخصوص، در مرحله هم‌جواری که محقق اجمالاً از آن گذشته است، دقیقاً با توجه به جزئیات در زمینه تشابهات و تفاوت‌ها، مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گیرد و رد یا قبول فرضیه تحقیق در این مرحله امکان‌پذیر است. (آقازاده، ۱۳۷۷: ۱۴۳-۱۴۵).

^۲ روش استنتاجی روش خاص پژوهش‌ها در فلسفه تعلیم و تربیت است که استفاده از آن رویکردی عمده را در این دانش فراهم کرده است. «روش استنتاج را می‌توان کاربست یک دیدگاه فلسفی در حل مسائل تربیتی دانست» (بهشتی، ۱۳۸۶: الف: ۴۴). روش استنتاجی یا استنباطی، شامل پنج مرحله است: ۱. استکشاف گزاره‌های فلسفی؛ ۲. نقادی گزاره‌های فلسفی؛ ۳. پردازش گزاره‌های فلسفی؛ ۴. استنتاج گزاره‌های تربیتی؛ ۵. پردازش گزاره‌های تربیتی.

تعلیقات مربوطه و منابع دست‌دوم از قبیل کتب، رساله و پایان‌نامه‌ها، مقالات و مستندات مرتبط با موضوع پژوهش است. این پژوهش را می‌توان دارای دو مرحله عمده دانست. مرحله نخست: شناسایی و تبیین و تدوین مبانی معرفت‌شناختی مبتنی بر اندیشه‌های غزالی و صدرالمتالهین و مرحله دوم استنتاج و استنباط دلالت‌های تربیتی در حوزه تربیت عقلانی.

یافته‌ها

نظر به ضرورت و اهمیت موضوع، نوشتار حاضر به سبک مسئله محور و با روش تحلیلی، در پی بررسی مقایسه‌ای میان نظام‌های معرفت‌شناختی ابو حامد محمد غزالی و صدرالمتالهین شیرازی بوده است تا به استنتاج مدلولات تربیتی آن در تربیت عقلانی از حیث اهداف، اصول و روش‌ها بپردازد.

بدین منظور در اینجا، بنیان‌های معرفت‌شناختی غزالی و صدرالمتالهین را در ۱۰ بخش مجزا مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مبانی نظام معرفت‌شناختی غزالی

۱. مبانی معرفت‌شناختی غزالی در امکان کسب معرفت:

به نظر غزالی، در پاسخ به این پرسش که آیا کسب معرفت برای افراد امکان‌پذیر است یا خیر؟ این‌گونه اظهار می‌دارد که کسب معرفت ممکن است. به نظر وی، همه انسان‌ها به‌طور طبیعی این توان را دارند که به شناخت حقایق جهان هستی نائل آیند (غزالی، ۱۴۰۶: ۱۵). از این‌رو، غزالی برخلاف شک‌گرایان و لادریون، در مورد مسئله امکان معرفت برای انسان دید مثبت دارد. غزالی افزون بر این که امکان حصول شناخت را می‌پذیرد، رسیدن به شناخت جزمی و قطعی را نیز فی‌الجمله تأیید می‌کند.

۲. مبانی معرفت‌شناختی غزالی در منابع معرفت:

به اعتقاد غزالی انسان با این توانایی می‌تواند به عالم بالا روی کند و «حقایق کلی علوم ضروری و نظری را که همان علوم یقینی صادق از ازل تا ابدند به وسیله آن از ملاً اعلی (جهان برین) فرا گیرد» (غزالی: ۱۴۱۶، د: ۲۶۴). علم به خدای تعالی، صفات او، ملائکه، کتاب‌ها و فرستادگان او، انواع آفریده‌های جهان و نیز ضروریات اولیه عقلی، که علوم حقیقی و حکمت حقیقی‌اند با همین

توانایی کسب می‌شوند. این توانایی همان است که از آن با نام «عقل نظری» یاد می‌شود. علمی که از این طریق کسب می‌شود همان علمی است که خود فی‌نفسه مقصود است (در برابر معرفتی که برای عمل کردن تحصیل می‌شود). همین معرفت است که غزالی آن را در برابر علم «علم مکاشفه» است که سعادت می‌آورد. این معرفت همان معامله قرار می‌دهد و با ظهور مرتبه‌ی عالی‌تر عقل، یا به بیان دیگر، با ظهور مرتبه‌ی عالی‌تر از عقل (استدلالی) حاصل می‌شود (غزالی: ۱۴۱۶، ص: ۶۱). نگرش بدینانه غزالی به عقل‌گرایی، فلسفه و حکمت حکما، در آموزه‌های اشعری او ریشه داشته است و برداشت وی از مبانی فلسفی و شرایط اجتماعی و سیاسی دورانی که در آن می‌زیست) محمودی بیات و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۹۱-۷۱۴).

۲. مبانی معرفت‌شناختی غزالی در چیستی معرفت:

به نظر غزالی معرفت حقیقی معرفتی است که به وسیله آن امر معلوم در نفس کاملاً کشف گردد و به طوری که هیچ شکی در مقابل آن باقی نتواند ماند و هیچ ضلالت و خطایی آن را تیره نتواند ساخت. این درجه معرفت درجه‌ای است که در آن مرتبه قلب نمی‌تواند شک را بپذیرد، در آن مرتبه شک بر دل پدید نمی‌آید و حتی دل نمی‌تواند آن را فرض کند. معرفتی که شامل این درجه از یقین نباشد، معرفتی است ناقص و مستوجب ضلالت (کوربن، ۱۳۵۲: ۲۲۸؛ به نقل نصرآبادی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۰۱-۲۰۵). غزالی حصول صورت معلوم خارجی را در نفس آدمی، به حصول صورت شیء در آئینه تشبیه کرده است، با این تفاوت که آنچه در آئینه ظاهر می‌شود، فقط صور محسوسات است، ولی در آئینه ذهن، صورت امر معقول نیز تحقق می‌پذیرد. عین عبارت غزالی در این باب چنین است: «...اذ لا معنی للمعلم بالشیء الا ثبوت صورہ الشیء و حقیقه و مثاله فی النفس کما تثبت صورہ الشیء فی المرآت مثلاً...» همان‌سان که در این عبارت مشاهده می‌شود، غزالی حصول صورت یک شیء و حقیقت آن را در ذهن، علم دانسته است. حصول صورت معلوم در ذهن، همان‌گونه موجود خارجی را نشان می‌دهد که صورت موجود در آئینه، حقیقت بیرون از خود را آشکار می‌سازد. «بدان که آدمی را قوه‌ای است و را که، منقش شود در آن، صور اشیاء، چنانکه در آئینه.» (غزالی، ۱۴۱۶، ص: ۴۷).

۴. مبانی معرفت‌شناختی غزالی در غایت معرفت:

علوم بر اساس غایت آن‌ها به دو دسته‌ی علوم نظری و علوم عملی تقسیم می‌شود. هدف در

علوم نظری، کسب معرفت است به جهت خودش، اما در علوم عملی کسب معرفت است برای عمل. (رقوی و همکاران. ۱۳۸۶: ۹۹). به عقیده‌ی غزالی، هریک از انواع ادراکات، آفریده شده است که انسان بتواند به وسیله‌ی آن، یکی از عوالم حق را ادراک نماید، به طور مثال، حس لامسه برای این آفریده شده است که انسان بتواند به وسیله آن، برخی از موجودات مانند حرارت و برودت، رطوبت و یا نرمی و زبری و امثال آن را ادراک نماید. قوه‌ی لامسه به هیچ وجه نمی‌تواند از جهان رنگ‌ها و عالم صداها کوچک‌ترین اطلاعی به دست آورد. بالعکس، حس بینایی برای این آفریده شده است که انسان از جهان رنگ‌ها و شکل‌ها اطلاع حاصل نماید (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۰: ۱۲۲).

۵. مبانی معرفت‌شناختی غزالی در انواع معرفت:

در بحث از معرفت‌شناسی غزالی می‌توان انواع معرفت را به شرح ذیل به گونه‌ای متمایز مورد مذاقه قرار داد:

الف. معرفت حسی: غزالی در میزان العمل قوای مدرکه را به دو بخش ظاهری و باطنی تقسیم کرده و معرفت حسی را در ردیف معرفت ظاهری و بقیه آن را در ردیف معرفت باطنی قرار داده است. او در این کتاب هنگامی که از معرفت حسی سخن به میان می‌آورد، به حس لامسه، چشایی، بویایی، بینایی و شنوایی اشاره دارد. به عقیده وی معرفت حسی، مقدمه و گذرگاهی برای ورود به مراتب بالاتر است به باور وی انسان با این معرفت (معرفت حسی) تا هفت سالگی همراه است و پس از آن به مراحل بالاتر پا می‌گذارد که غزالی آن را مرتبه «کمال» می‌نامد (غزالی، ۱۴۱۶: ۲۲۵).

ب. معرفت حس مشترک: پس از مرحله حس ظاهری، غزالی به معرفت باطنی می‌پردازد و در این مرحله حس مشترک را در مرتبه اول یادآور می‌شود. غزالی بدین باور است که اگر این حس در انسان نبود، نمی‌توانست مفید بودن و زیان‌بار بودن چیزی را که با آن سروکار دارد، ادراک کند. (همان: ۴۵)

ج. معرفت مصوره: این نیرو صورت‌هایی را که در حس مشترک وجود دارد، حفظ می‌کند و پیداست حفظ، غیر از انطباق صورت‌هاست؛ چنان‌که اشیاء در آب منطبع می‌شوند، ولی حفظ نمی‌شوند. **د:** معرفت وهمیه: این معرفت، نیرویی است که به سبب آن، معانی جزئی درک می‌شود، مانند قوه‌ای که در گوسفند حاکم است که باید از گرگ بترسد یا به بچه خود مهر ارزانی دارد

(غزالی، ۱۴۱۶، الف: ۲۵ و ج: ۴۶). منتها به مدد این نیرو عداوت کلی و محبت کلی ادراک نمی‌گردد و آنچه ادراک می‌شود به صورت جزئی است.

ح. معرفت ذاکره: این معرفت به منزله خزانه قوه وهمیه است و از این جهت به قوه مصوره شبیه است. کارکرد این قوه نگه‌داری تصاویری است که «وهم» آن را بازیابی کرده و در اختیار قوه ذاکره قرار داده است. (غزالی، ۱۴۱۶، ب: ۳۵۶).

و: معرفت تخیل: وظیفه این قوه «انتقال از چیزی به چیز دیگری است که دارای ربط و نسبت یا مشابهت و مجاورت باشد». (همان: ۳۵۷). یا زمانی که تصمیم به یادآوری چیزی بگیرد که قبلاً با آن روبرو بوده است، آن تصویر در ذهن تجدید گردد. مخیله، تصویر سابق را از خزانه مصوره و ذاکره برداشته و حتی برخی اوقات در آن‌ها دست به ترکیب می‌زند و با ترکیب و تجزیه آن‌ها، در آن‌ها تصرف می‌کند؛ مثلاً انسانی می‌سازد که پرواز کند. (غزالی، ۱۴۱۶، ب: ۳۵۷).

ی: معرفت عقلائی: در نظرگاه غزالی عقل از ارزش والا و بالایی برخوردار است و این نگرش از آثاری که از وی برجای مانده به‌خوبی نمایان است.

۶. مبانی معرفت‌شناختی غزالی در مراتب و مراحل شکل‌گیری معرفت:

از منظر غزالی در یک تقسیم‌بندی می‌توان مراحل شکل‌گیری شناخت و معارف را در وهله‌های زیر خلاصه نمود:

- وصفی که به واسطه‌ی آن انسان‌ها از بهایم متمایز می‌گردند و این وصف، اساس بنای پذیرش علوم نظری در آینده می‌گردد.
- علمی که در کودک ممیز به وجود می‌آید و به واسطه آن، امر ممکن را ممکن و محال را محال می‌شمرد، مانند علم به این که عدد دو بیشتر از عدد یک است و یا یک شخص در دو مکان قابل جمع نیست.
- علمی که از تجربه به دست می‌آید و به مدد کسب این علم، عالم نزد مردم قابل تحسین می‌گردد، زیرا مردم کسی را که این تجربه‌ها دانش او را آراسته و فراز و فرود زندگی را لمس کرده است عاقل و کسی را که از این علم تهی است نادان می‌نامند.
- انسان به مرحله‌ای از توانایی و کمال دست یازد که عاقبت هر کاری را پیش‌بینی کرده و شهودات زودگذر دنیوی را مقهور خود سازد. کسی که به این مرحله از توانایی دست یابد

عقل شمرده می‌شود؛ بدین دلیل که با نظر به انجام امور، دست‌به‌کاری می‌زند یا کاری را وامی‌گذارد (سخنور، ۱۳۸۹: ۶۴).

۷. مبانی معرفت‌شناختی غزالی در معیار صدق معرفت:

برخلاف بعضی که از اظهارنظر در باب معیار صدق ابا دارند غزالی صراحتاً موضع خود را بیان داشته و نظریه تطابق را قبول دارد.^۱ (توکل: ۱۷۴-۱۷۵؛ به نقل از: علیزاده و همکاران، ۱۳۸۳: ۴۶۵-۴۶۶). در حقیقت این تحلیل غزالی، مشخصاً گونه‌ای نسبت‌گرایی است که یکی از مباحث مطرح در معرفت‌شناسی است (علیزاده و همکاران، ۱۳۸۳: ۴۶۵-۴۶۶).

۸. مبانی معرفت‌شناختی غزالی در روش‌های کسب معرفت:

غزالی معتقد است که انسان از دو راه کلی می‌تواند شناخت به دست آورد. یکی از راه آموزش که به یاری معلم و با کمک حواس و عقل فراهم می‌آید و از راه آن عالم محسوس که غزالی آن را عالم شهادت می‌نامد، شناخته می‌شود. این راه، روش عرفی و شناخته‌شده شناخت و در اختیار عموم است. روش دوم، راه آموزش ربانی است که از رهگذر آن به‌طور مستقیم و بی‌واسطه انسانی، معرفت به دست می‌آید. از نگاه غزالی این گونه دانش از دو راه حاصل می‌شود: راه تحصیل و آموزش از برون و فراگیری از راه تفکر درونی (بختیار نصرآبادی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۰۱-۲۰۵).

۹. مبانی معرفت‌شناختی غزالی در موانع معرفت:

غزالی در بحث از آفات و موانع معرفت، قلب آدمی را تشبیه به یک آینه کرده است. همان‌گونه که آینه قابلیت نقش بستن صور اشیاء در خود را دارد، قلب آدمی نیز قابلیت نقش‌پذیری و ظهور حقایق و کشف حقیقت را دارد. منتهی همان‌گونه که برای انعکاس تصویر اشیاء در آینه تحقق شرایطی لازم و ضروری است. برای تجلی حقایق در قلب آدمی نیز بایستی چهار چیز مورد توجه قرار گیرد، این چهار نکته به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. قلب؛

۲. حقایق اشیاء؛

۳. حصول و حضور نقش این حقایق در قلب؛

۴. نوری که به‌وسیله‌ی آن این حقایق در قلب منکشف می‌گردد.

¹. cf.tavakol,M.,Sociology of knowledge,p174-175

غزالی تحقق حقایق عالم را در قلب آدمی نتیجه و برآیند وجود این چهار عامل دانسته و در آسیب‌شناسی عدم تجلی و ظهور حقایق در قلب آدمی (مانند آئینه) موانع پنج‌گانه‌ی ادراک حقیقت را شمرده و در تشبیه قلب به آئینه موانع پنج‌گانه‌ی عدم انعکاس صورت در آئینه را در کتاب (معارج القدس فی مدارج النفس) بیان می‌دارد. حجاب نیز از جمله اموری است که به کشف حقیقت آسیب می‌رساند. در اینجا نیز ممکن است شخص مطیع و صالحی که بر شهوات و خواسته‌های نفسانی خود غالب گشته و برای تفکر و اندیشه آماده است، احیاناً دچار لغزش گردد و از درک حقیقت بی‌نصیب بماند. این می‌تواند بدان جهت باشد که شخص با اندیشه و عقیده‌ای خو گرفته و آن را از طریق تقلید یا عوامل دیگری در نفس خود راسخ ساخته است. از همین روست که تلاش و کوشش فرد در راه ادراک حقیقت و معرفت بی‌نتیجه مانده و نیل به آن امکان‌پذیر نمی‌گردد، زیرا اندیشه و عقیده‌ای که از پیش در ذهن وی راسخ گشته و یا ثبوت یافته، همانند حجابی ضخیم و دیواری پولادین است که از تابش نور حقیقت جلوگیری می‌نماید. از این روست که غزالی تأکید می‌نماید؛ مادامی که انسان نتواند خود را از قید اندیشه‌های پیشین و عقاید سابق-که به نوعی با آن‌ها خو گرفته و مأنوس گشته است-آزاد سازد، از ادراک حقیقت و اندیشه‌ای که برخلاف آن‌ها جلوه‌گر می‌شود، محروم خواهد بود.

عامل دیگری که از جمله موانع درک حقیقت و شناخت واقعی از دیدگاه غزالی به شمار می‌آید همان جهل و نادانی به مقدمات و جهاتی است که می‌توان از آن طریق به نتایج دست یافت. عین عبارت وی در این باب چنین است: «... و اذا عرفت نفسک و انک جوهر خاصیتک معرفه الله سبحانه و تعالی و معرفه لیس بمحسوس و لیس البدن من قوام ذاتک فانهدام البدن لا یعدمک فقد عرفت الیوم الاخر بالبرهان» (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۰: ۱۸۰).

۱۰. مبانی معرفت‌شناختی غزالی در چیستی عقل:

غزالی بر این اعتقاد بوده است که عقل دارای معانی بسیاری است. در یک دسته‌بندی عقل را در دو معنا به کار برده است که در اینجا اشاره می‌شود: ۱. عقل به معنای علم و شناخت ۲. عقل به معنای مدرک علوم (فاعل شناسایی). چنان‌که ملاحظه می‌شود، معنای دوم عقل نیز همان معنایی است که الفاظ قلب، روح و نفس نیز بر آن دلالت داشتند. بدین ترتیب، مدرک و فاعل شناسایی، موجود لطیف و شریفی است که غزالی آن را با الفاظ قلب، عقل، روح و نفس معرفی کرده است و

همان است که حقیقت انسان و اصالت او را رقم می‌زند. غزالی در جای دیگری از معیارالعلم با عناوین کلی‌تر، به انواع عقول اشاره می‌کند و می‌گوید: گاهی منظور از عقول عبارت‌اند از ۱- عقلی که مورد نظر جمهور است ۲- عقلی که مورد نظر متکلمین است ۳- و عقلی که مورد نظر فلاسفه است.

مبانی نظام معرفت‌شناختی ملاصدرا

۱. مبانی معرفت‌شناختی ملاصدرا در امکان کسب معرفت:

مقام علم و معرفت که انسان بدان فضیلت می‌یابد و نزد خداوند از دیگران برتر شمرده می‌شود و بدین ریاست بزرگ و متوسط و کوچک که نبوت و امامت و شیخ بودن باشد، می‌رسد، و سعادت کبری و منزلت نزد خدا بدان بستگی دارد، و همین است که در دعای پیامبر (ص) از خداوند خواسته شده است: «پروردگارا اشیاء را آن‌چنان که هستند به من بنمایان» و همچنین: «پروردگارا حق را به من حق بنمایان و باطل را باطل» با در دست داشتن شرایط مخصوصی فرا چنگ آید، و با وجود یکی از موانع پنج‌گانه که ذکر آن رفت، باز داشته شود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۰).

۲. مبانی معرفت‌شناختی ملاصدرا در منابع معرفت:

از دیدگاه صدرالمتالهین منابع شناخت و حصول معرفت عبارت‌اند از:

۱. شناخت متضمن نوعی حضور شیء نزد فاعل شناسا است؛
۲. هیچ امر مادی نمی‌تواند به هیچ نحو غیر خود ظهور و حضور پیدا کند یا در واقع نزد خود حضور یابد چون اجزاء آن متقابلاً نسبت به یکدیگر در حجاب غیبت‌اند؛
۳. چون هم اشیاء خارجی و هم ارگان‌های حسی هر دو مادی‌اند. برای این که شناخت امکان‌پذیر باشد، وجود اشیاء مادی خارجی می‌بایست دستخوش تغییر و تبدیل و دگردیسی و تحول گردد و این همان معنای نشاء علمی یعنی بودن برای شناخته شدن است. صدرالمتالهین معتقد است نفس مبدع و ایجادکننده‌ی صور حسی و خیالی است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸: ۲۶۴-۲۶۵).

۳. مبانی معرفت‌شناختی ملاصدرا در چیستی معرفت:

در نظر «صدرا» معرفت امری بدیهی و غیرقابل تعریف است. زیرا معرفت نه از سنخ ماهیات، بلکه از سنخ وجود است. بنابراین از احکام وجود نیز بهره‌مند خواهد بود و چون وجود غیرقابل تعریف است، معرفت نیز تعریف ناپذیر است. تفسیر صدرا از معرفت: صدرا در عبارتی علم را به وجود مجرد از ماده و ضعیفه تعریف کرده است: «واما المذهب المختار و هو ان العلم عبارة عن الوجود المجرد عن المادة الوضعیه.» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸: ۲۹۲). صدرا علم را ماهیت ندانسته و آن را مساوق وجود معرفی می‌کند. «العلم وجودا بالفعل غیر مشوب بالعدم.»^۱ علم وجود تحقق‌یافته و غیر آمیخته با عدم است.

پس علم که در ممکن‌الوجود نیز تحقق دارد، از شئون وجود بلکه مساوق با وجود است؛ «[زیرا] حقیقت علم که عبارت از انکشاف است در واجب و ممکن موجود است، بلکه... حضرت ذات مبدأ جمیع صفات کمالیه است، به نحوی که همه کمالات وجودیه در غیب ذات با ذات عینیت دارند... بنا بر آنچه ذکر شد، علم از سنخ وجود است و داخل مقوله جوهر یا عرض نیست.»^۲

۴. مبانی معرفت‌شناختی ملاصدرا در غایت معرفت:

در تفکر ملاصدرا بمانند نوافلاطونیان ابن‌سینایی و همچنین اشراقیون، صادر اول از وجود اول همان عقل اول است.^۳ از نظر ملاصدرا، عقل فعال همان روح‌القدس است (البته در تفسیر شیخ احمد، یکی دانستن این دو، علت انتقاد او از ملاصدرا نیست). منظور اینکه، رسیدن به عقل فعال همانطوری که دیدیم، قلّه و اوجی است که فعل وجودی به نهایت حضور می‌رسد.^۴ ملاصدرا بیان می‌کند که دوره وجود با اتصال دوباره به عقل فعال به‌عنوان روح خلاق اختتام می‌یابد (منظور این است که به‌عنوان وجود مخلوق به پایان رسیده است، چه وجود خلاق تناهی ندارد).

^۱. صدرالمتألهین، الاسفار الاربعه، ج ۴: ۲۹۷.

^۲. جلال‌الدین آشتیانی، پیشین: ۱۳۲.

^۳. مقدمه بر المشاعر صدرالمتألهین شیرازی: ۱۱۰.

^۴. مقدمه بر المشاعر صدرالمتألهین شیرازی: ۱۱۱.

۵. مبانی معرفت‌شناختی ملاصدرا در انواع معرفت:

درباره‌ی علم انسانی، نخستین تقسیم‌بندی، میان علم حصولی و علم حضوری انجام می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر آمد، علم حصولی را مشتمل بر چهار نوع ادراک دانستیم که عبارت بود از: حسی، خیالی، وهمی و عقلی؛ ۱. ادراک حسی: ادراک انسان از اشیای مادی در همان هنگامی که در حوزه‌ی حواس او قرار دارند. ۲. ادراک خیالی: پس‌ازاین که ادراک حسی تحقق یافت و ماهیت جوهری با نازل‌ترین مرتبه‌ی تجرید، به نحو جزئی نزد نفس وجود یافت، مجدداً همین ماهیت با مرتبه‌ی بالاتری از تجرید، نزد نفس حضور می‌یابد. ۳. ادراک وهمی: مقصود از ادراک وهمی ادراک اوصافی نامحسوس در اشیای مادی محسوس است، مانند درک دوستی و هم‌چنین درک خیر و امثالهم. ۴. ادراک عقلی: در ادراک عقلی، مدرک بالذات یا صورت عقلی همان ماهیت صرف است، ادراک عقلی از بالاترین مرتبه‌ی تجرید برخوردار است.

۶. مبانی معرفت‌شناختی ملاصدرا در مراتب و مراحل شکل‌گیری معرفت:

مراتب معرفتی نزد صدرالمتألهین را می‌توان به سه بخش مشخص تقسیم نمود.

۱. معرفت حسی (در حیطه‌ی وجودات مادی و طبیعی)؛

۲. معرفت عقلی و برهانی (در حیطه‌ی مفاهیم و امور کلی)؛

۳. معرفت فرا‌مفهومی و قلبی.

معرفت حسی: معرفت حسی تنها ابزار مادی بوده که همان حواس پنج‌گانه‌ی مادی هر مدرک انسانی است که متناسب با بدن مادی وی است (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱: ۳۰۰).

معرفت عقلی - مفهومی: شناخت انسان به مفاهیم کلی و کسب معرفت در این حیطه، فقط به وسیله ذهن و قوای شناخت غیرمادی انسان صورت می‌پذیرد، قوه‌ی خیال انسان مخیلات را مورد شناخت قرار داده است و برهان نیز تنها در این حیطه و برای کسب معارف یقینی مفهومی کاربرد دارد (همان: ۱۰۸).

معرفت فرا‌مفهومی - قلبی: در شناخت فرا‌مفهومی، عین موجودات کلی نزد قلب انسان حاضر می‌گردد و فقط با ابزار قلب است که می‌توان معانی الهی را به نحو کامل درک نمود. این مرتبه از شناخت برای همه‌ی افراد انسانی امکان‌پذیر نیست و صدرا به‌ندرت به وقوع آن اشاره می‌نماید (همان، ۳۷۳). با وجود این، معرفت قلبی با قسم قلبی (معرفت عقلی - مفهومی) در جهت

افاده‌ی یقین مشترک‌اند. از این روست که صدرا چنین می‌گوید: «اعلم ان المتبع فی المعارف الاهیة هو البرهان او المكاشفه»^۱ و «ان المتبع هو البرهان الیقینی او الکشف»^۲.

۷. مبانی معرفت‌شناختی ملاصدرا در معیار صدق معرفت:

در حقیقت مبحث معیار صدق می‌پردازد به این پرسش که چه ارتباطی میان وجود ذهنی ماهیت اشیاء و وجود خارجی آن‌ها برقرار است؟ پرسشی که پاسخ به آن مسئله مطابقت و نظریه‌های صدق را به میان می‌آورد (علیزاده و همکاران، ۱۳۸۳: ۴۴۰). بدون شک ملاصدرا فیلسوفی واقع‌گرا و معتقد به وجود خارجی برای اشیاست و نیز بر این باور است که ما می‌توانیم به حقایق خارجی علم بیابیم.

۸. مبانی معرفت‌شناختی ملاصدرا در روش‌های کسب معرفت:

شیوه‌ی کسب معرفت در «معرفت تشکیکی» همگون با دو طرف شناخت (شناسانده و متعلق شناسایی) است. مقصود از ابزار شناخت در این گفتار، ابزار بیرونی نیست، بلکه مقصود ابزار درونی هر مدرک در مسیر کسب معرفت است. انسان از آن جهت که دارای مراتب مختلفی از شدت و ضعف (از وجود محسوس و مادی هر فرد گرفته تا وجود الهی وی) است (صدرالمتالهین، ۱۳۶۱: ۲۴۰)، در هر مرتبه نیز دارای ابزار شناخت درونی متناسب با همان مرتبه‌ی نفسانی خود است (صدرالمتالهین، ۱۹۸۱: ۱۸۱)؛ ذهن، به‌عنوان یکی از قوای نفس، با به‌کارگیری دو عامل مهم «آگاهی» و «توجه»، این تصویرهای مادی را به علم یا همان «صورت نوری» تبدیل می‌نماید (صدرالمتالهین، ۱۹۸۱: ۱۶۲).

۹. مبانی معرفت‌شناختی ملاصدرا در موانع معرفت:

به اعتقاد ملاصدرا در بین موانع کسب معرفت، تقلید و تعصب مهم‌ترین نقش را دارند. به دلیل چنین دیدگاهی است که او پارها عقاید ناشی از تقلید گذشتگان را، که در ذهن ریشه کرده و با تعصب آمیخته است، باز کرده و معتقد است که ایستادن و دوری از معقولات و از لوازم آن تقلید است (ثبوت، ۱۳۸۶: ۸۳-۸۹). یکی دیگر از موانع مهمی که از نظر صدرالمتالهین بر سر راه شناخت

۱. صدرالمتالهین، ۱۳۶۱، العرشیه: ۲۸۶.

۲. همان، ج: ۱، ۲۱۱.

است، مخالفت با دیگران و سرگرم شدن با اربابان قدرت و امور دنیوی است چراکه از نظر وی افراد پست این امور را بر ذکر خدا برمی‌گزینند. ۱. جهل به معرفت نفسی که حقیقت آدمی است؛ ۲. حب جاه و مال و میل به شهوات و لذات و سایر تمتعات؛ ۳. تسویلات نفس اماره و تدلیسات شیطان که بد را نیک و نیک را بد می‌نمایاند. با توجه به نظر ملاصدرا که شناخت نفس تضمین اصل سعادت است، عامل جهل به معرفت نفس و کمال آن بزرگ‌ترین حجاب محسوب می‌شود (بیدارفر، ۱۳۶۶: ۴۵).

۱۰. مبانی معرفت‌شناختی ملاصدرا در چیستی عقل:

مقصود از آموزه عقل از نظر ملاصدرا این است که نشان دهد سرانجام، ذهن انسان خود را با عقل فعال یا عقل کلی متحد می‌سازد. زیرا از نگاه او، غایت کلی حرکت جوهری عبارت است از نیل به مرتبه جدیدی از هستی، نظریه‌ای که در پرتو حرکت جوهری غایت نفس اتحاد عقل انسانی با عقل استعلالی و فرا تجربی است و از این رو شناخت عبارت است از نیل و وصول به مرتبه‌ای از وجود عقل ناب بسیط است. (صدر المتهلین، ۱۹۸۱: ۱۹-۲۰).

جدول ۱. مقایسه بنیان‌های معرفت‌شناختی غزالی و ملاصدرا

مبانی معرفت‌شناختی	ابو حامد محمد غزالی طوسی	ملاصدرا
امکان کسب معرفت	امکان کسب معرفت (شناخت حقایق جهان هستی) برای همه‌ی انسان‌ها به‌طور طبیعی وجود دارد؛ همچنین رسیدن به شناخت جزئی و قطعی را فی‌الجمله تأیید می‌کند.	امکان کسب معرفت برای انسان وجود دارد.
منابع معرفت	شرع، عقل، انواع آفریده‌های جهان، رسولان الهی، ملائکه و کتب آسمانی (علی‌الخصوص قرآن)، حکمت اشراق و عرفان، الهام، دین، حواس، تاریخ گذشتگان، سنت، تصوف، تجربه، تزکیه	حرکت جوهری (تحول و تطور جوهر موجودات در عالم)، حس، خیال، اعیان خارجی (اشیاء)، وجود ذهنی، اعتباریات، تعقل، حافظه، ادراکات باطنی، نفس.

مبانی معرفت‌شناختی	ابو حامد محمد غزالی طوسی	ملاصدرا
چیستی معرفت	نقش بستن صورت‌های عقلی در عقل از سوی عقل فعال، علم حضوری (شهودی)، شناخت حصولی تصویری مفرد (غیر قضیه)، شناخت قضیه‌ای ضرورتاً صادق، تصدیقی ضرورتاً صادق، شناخت حصولی قضیه‌ای و تصدیقی اعم از صادق و کاذب، حصول ماهیت اشیاء در ذهن، تحقق صورت و حقیقت شیء در نفس انسان.	تحصیل معلوم برای عالم، مساوت علم با وجود، انکشاف در واجب و ممکن موجود، ظهور شیء لشیء، تجلی و اشراق نور وجود از جانب حق بر ممکنات، وجودش عین ماهیتش است، غیرقابل تعریف بودن حقیقت علم، حصول و پیدایش معلوم در ذهن عالم، معلوم بالذات، حصول شیء نزد مدرک، حضور صورت اشیاء نزد عقل، عدم انفکاک وجود و علم.
غایت معرفت	گذر از معرفت عقلانی به معرفت وحیانی و رسیدن به سعادت و تقرب به خداوند و شناخت اسباب و عوامل سعادت و شقاوت، کسب معرفت دینی و آموزه‌های آن.	یکی شدن عقل مستفاد با عقل فعال، مقدمه و مهیا کننده‌ی نفس جهت عروج به عالم عقل، نیل به مرتبه‌ی شهود و دریافت معارف و حقایق معنوی، اتحاد نفس با صور عقلی کلی، مشاهده فرشتگان مقرب در گاه الهی، ارتحال از نشئه‌ی حس و عالم عینی به نشئه‌ی ادراک و عالم علمی، اتحاد جوهر مدرک با مدرکات خود.
مراتب و مراحل معرفت	معقولات، محسوسات و مشهورات و مقبولات، علم به خدای تعالی (معرفت وحیانی)	۱. معرفت حسی (در حیطه‌ی وجودات مادی و طبیعی) ۲. معرفت عملی و برهانی (در حیطه‌ی مفاهیم و امور کلی) ۳. معرفت فرا مفهومی و قلبی
معیار صدق معرفت (نظریه تطابق)	قائل بودن به نظریه تطابق، قائل به نسبی‌گرایی (تصور جهان در ذهن به وسعت حواس آدمی بستگی دارد)، انطباق صورت ذهنی با شیء خارجی، سنجش با قسطاس مستقیم (پنج میزان مشتمل بر معرفت خداوند متعال، ملائکه و کتب، رسولان و ملک و ملکوت) و نیز منطق ارسطویی.	نظریه تطابق (مناط صدق) (مطابقت وجود خارجی «عینی» یا همان واقعیت، وجود ذهنی (علم)، انطباق صورت اشیای خارجی در ذهن، نبود واسطه بین عدم و وجود، تحقق اعیان (موجودات خارجی) به صورت وجود ذهنی، حقیقی بودن اشیاء و وجودات خارجی.

ملاصدرا	ابو حامد محمد غزالی طوسی	مبانی معرفت‌شناختی
<p>علم حصولی که خود مشتمل بر ۴ نوع ادراک است: ۱) شناخت حسی {حس ظاهر، حس باطن}، ۲) شناخت خیالی، ۳) شناخت وهمی، ۴) شناخت عقلانی، شناخت صور عقلی، شناخت حضوری {۱. علم علت به معلولش (علم نفس به خودش) ۲. علم معلول به علتش}، شناخت حضوری، علوم مکاشفه‌ای (الهی)، علوم انسانی، شناخت ظنی، یقین برهانی (علم‌الیقین)، یقین مبتنی بر مشاهده‌ی حضوری (عین‌الیقین)، یقین حاصل از اتصال وجودی (حق‌الیقین)، علم و معرفت انسانی {الف. علم و معرفتی که از طریق آموزش‌های رسمی و صوری (علم مدرسه‌ای) حاصل شود. ب. علمی که از راه تفکر (بهره‌گیری نفس انسانی از نفس کلی) حاصل شود.}، علم حصولی (تصورات {بیدیهی، نظری}؛ تصدیقات {بیدیهی، نظری}، شناخت‌های حقیقی، شناخت‌های اعتباری، معرفت فرا مفهومی و قلبی.</p>	<p>معرفت حسی، معرفت حس مشترک، معرفت مصوره، معرفت وهمیه، معرفت ذاکره، معرفت تخیل، معرفت عقلانی، معرفت وراى عقلانی، علوم حاصله از تجربه‌ها در جریان احوال (گوناگون)، معرفت عقلی استدلالی، معرفت عقلی شهودی، معرفت شهودی- قلبی، تصورات، تصدیقات، معرفت ذوقی و کشفی، علوم شرعی و غیرشرعی {مذموم (سحر، شعبده)، محمود (طب و حساب)، مباح (علم التواریخ)}، علم آخرت، علم مکاشفه (علم باطن)، علم معامله (علم احوال دل)، علوم تجربی، علم سودمند (علم به باطن و مراقبه دل و شناختن راه آخرت)، معرفت الهی (دانستن نام و صفات او)</p>	<p>انواع معرفت</p>
<p>تقلید و تعصبات و عادات رایج میان یک قوم (تعصبات و تقلید مقلدان بی‌بصیرت)، حب جاه و مال و میل به شهوات، تسویلات نفس اماره، تدلیسات شیطان، عدم فراهم شدن شرایط ابصار، عدم وجود ماده، سلامت قوای حسی، بودن حجاب و مانع میان حواس و ماده، عدم معرفت به نفس خویش، ضعف ادراک ناشی از تعلق به بدن جسمانی (بعد جسمانیت)، عدم تناسب میان مراتب مختلف معرفت با روش‌های کسب معرفت.</p>	<p>اعتقاد به اختلاف مردم در درک حقایق و علوم (حقایق دینی)، عدم تکامل نفس (فاعل شناسا)، آلوده شدن نفس به گناهان، فقدان توجه لازم برای یک شناخت، وجود یک اعتقاد باطل در مورد شناخت، جهل به جهتی که شناخت حاصل می‌شود، پرهیز از تقلید، عقل‌گرایی محض، تمایل به شهوات، جهل و نادانی، تقید بی‌حد و حصر به عقاید پیشینیان و نداشتن آمادگی قلبی.</p>	<p>موانع کسب معرفت</p>

ملاصدرا	ابو حامد محمد غزالی طوسی	مبانی معرفت‌شناختی
<p>حواس، ذهن، سیستم عصبی و مغز، قوه‌ی خیال، قوه‌ی عاقله (عقل)، نفس، حس مشترک (بنطاسیا)، برهان، قلب، کشف و شهود.</p>	<p>عقل، اشراق و الهام، وحی و نبوت، شریعت، حواس ظاهری (خارجی) (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و لامسه)، حواس باطنی (نفس حیوانی: خیالیه، حافظیه، وهمیه، ذاکره، متخیله) و (نفس ناطقه: متفکره)، شهود، سماع، فهم، حافظه یا به خاطر سپردن (از طریق حفظ کردن)، نشر علوم، تکرار و تذکر، نوشتن، قرائت، ریاضت و مجاهدت، شک عام و فراگیر، مکاشفه، تخیل، آموزش به یاری معلم، آموزش ربانی (الف: تحصیل و آموزش از برون، ب: تحصیل و آموزش از راه تفکر درونی)</p> <p>حس مشترک (تفکر، تذکر، تخیل، حافظه)، تجربه (البته تجربه‌گرایی مورد نظر وی اساساً در محدوده شهود عرفانی قرار می‌گیرد)، فطرت، اراده، تحقیق و تفحص، قلب (لطیف، ربانی و روحانی)، روح (فاعل شناسا)، نفس (فاعل شناسا)</p>	<p>روش‌های کسب معرفت</p>
<p>صورت‌های مرتسم در جوهر عاقل که مطابق با ماهیات معقول‌اند، اضافه‌ی عالم به معلوم، کیفیات نفسانی (بالذات در مقوله کیف و بالعرض در مقوله اضافه)، مساوق بودن با کل اشیاء، مرتبه‌ای از مراتب وجودی است، محصول حرکت جوهری نفس، صورتی از هستی است، دارای مراتبی است (عقل نظری: عقل هیولایی، عقل بالملکه، عقل بالفعل، عقل مستفاد) و (عقل عملی: تهذیب ظاهر، تهذیب باطن، تنویر قلب به نور، فنای نفس از ذات خویش)،</p>	<p>ممیز بین انسان و بهایم، مستفاد از تجارب جاری احوال (تاریخ گذشتگان و احوال گوناگون)، متمایزکننده امور ذاتی و عرضی صورت‌های خیالی، ادراک‌کننده معقولات مجرد، اختلاف مردم در اصل استعداد عقلانی به معنای علم و شناخت، به معنای مدرک علوم (فاعل شناسایی)، علوم ضروری که کودک ممیز آن‌ها را می‌فهمد، علومی که از تجربه‌ی امور</p>	<p>چیستی عقل</p>

مبانی معرفت‌شناختی	ابو حامد محمد غزالی طوسی	ملاصدرا
	حاصل می‌شود، قوه‌ای که عواقب کارها را با آن می‌شناسند، غیرقابل اعتماد بودن عقل، عقل در مرتبه‌ای پایین‌تر از ایمان قرار می‌گیرد، نیروی ممیز میان امور زشت و زیبا، نیروی بازشناسی احکام کلی از راه تجربه، نیروی استدلال‌گر و درک‌کننده، نمونه‌ای از نور خدای تعالی، مستعد قبول علم، عقل به منزله‌ی یکی از اقسام خاص معرفت، عقل به مثابه لحاظ متعلق معرفت، عقل به مثابه تیقن معرفت، داوری و قضاوت بر اشتباهات و لغزش‌های حسی.	ادراک‌کننده صور به‌طور کلی، ادراک و عامل تجرید صورت از ماده، جایگاه درک علوم و معارف کلیه، اولین مخلوق الهی است، مرتبه‌ی عالی نفس است، موجود مجرد تام، تجرید و انتزاع و ادراک‌کننده کلی است، مراتب مختلف نفس

اهداف تربیت عقلانی در واقع همان گزاره‌های تجویزی هستند که جهت اصول را مشخص می‌نمایند. و اصول تربیتی مجموعه قواعد و دستورالعمل‌های کلی هستند که به‌صورت تجویزی بیان می‌شوند (باقری، ۱۳۹۵). بنابراین مقصود از اصول در این پژوهش قواعد، دستورالعمل‌ها، بایدها و نبایدهای برگرفته از مبانی معرفت‌شناختی غزالی و ملاصدرا است. در حقیقت اهداف گزاره‌های تجویزی برآمده از بنیان‌های معرفت‌شناختی است و اصول نیز بر مبنای همان گزاره‌های توصیفی و تجویزی و روش‌ها نیز بر مبنای اصول استنتاج گردیده است (رشیدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۴).

رویه استخراج اهداف و اصول تربیت عقلانی برای نمونه به شرح ذیل بوده است: نخستین اصل از اصول تربیت عقلانی از منظر غزالی که استخراج گردیده است؛ اصل تحصیل معرفت و حیانی است که از دو مقدمه توصیفی و تجویزی بدان نائل شدیم. رابطه اصول و مبانی این اصول و دستورالعمل‌های کلی، چشم‌بسته و دلخواهی و بدون توجه به واقعیات تدوین نمی‌گردد؛ بلکه این «بایدها» با توجه به مبانی و اهداف تربیت استخراج می‌گردد.

۱. گزاره توصیفی (مبنا): غایت معرفت عقلانی رسیدن به معرفت و حیانی است؛
۲. گزاره تجویزی (هدف): باید از معرفت عقلانی به مرحله معرفت و حیانی رسید؛
۳. گزاره تجویزی (اصول): تحصیل معرفت و حیانی

پاسخ سؤال‌های سوم و چهارم پژوهش: پاسخ به سؤالات سوم و چهارم پژوهش در جدول شماره سه بیان شده است.

- بنیان‌های معرفت‌شناختی غزالی چه مدل‌ولاتی برای اهداف تربیت عقلانی دارد؟
- بنیان‌های معرفت‌شناختی غزالی چه مدل‌ولاتی در حوزه‌ی اصول تربیت عقلانی دارد؟

جدول ۲. اهداف و اصول تربیت عقلانی بر مبنای بنیان‌های معرفت‌شناختی غزالی

گزاره توصیفی	گزاره تجویزی (اهداف میانی)	اصول تربیتی استنتاج شده
گذر از معرفت عقلانی به معرفت وحیانی	باید از معرفت عقلانی به معرفت وحیانی رسید.	تحصیل معرفت وحیانی
رسیدن به سعادت و تقرب به خداوند و شناخت اسباب و عوامل سعادت و شقاوت	برای رسیدن به سعادت و تقرب الهی باید اسباب و عوامل سعادت و شقاوت را شناخت.	شناسایی عوامل سعادت و شقاوت آدمی
کسب معارف دینی و آموزه‌های آن	باید در کسب معارف دینی و آموزه‌های آن کوشش داشته باشید.	تحصیل معارف دینی و حکمت‌آموزی
قائل بودن به نظریه تطابق. (مطابقت علم با واقع)	باید علوم با واقعیات منطبق باشند.	تکیه بر شواهد علمی، اصل‌گزینی و آموزش مواد درسی ناظر به واقع
سنجش معارف با قسطاس مستقیم (پنج میزان مشتمل بر: معرفت الله، ملائکه، کتب و ملائکه، رسولان و ملک و ملکوت و نیز علم منطقی)	باید معارف و علوم را با قسطاس مستقیم سنجید.	اعتبار سنجی مطالب علمی
قائل بودن به نسبت‌گرایی (تصور جهان به وسعت و ذهن و حواس آدمی بستگی دارد)	باید به توانایی‌ها و وسعت ذهنی آدمیان در کسب معارف توجه داشته باشید.	تفاوت‌های فردی
نقش حواس ظاهری (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و لامسه) در کسب علم و معرفت	باید حواس ظاهری را با تمرین‌های مرتبط تقویت نمایید.	تکیه بر مشاهده دقیق
نقش حواس باطنی (نفس حیوانی: خیالیه، حافظیه، وهمیه، ذاکره، متخیله و نفس ناطقه: متفکره) در کسب علم و معرفت	باید حواس باطنی را در خود تقویت نمایید.	تلازم معرفت و تقوا

اصول تربیتی استنتاج شده	گزاره تجویزی (اهداف میانی)	گزاره توصیفی
فرضیه پروری و آزمون‌پذیری	باید صحت فرضیات علمی را به وسیله آزمایش و آزمون سنجید.	نقش تجربه در اکتساب معارف و علوم
نقش الگویی معلم، حفظ منزلت عالم	برای تحصیل علم باید از معلم و راهنما مدد گرفت.	تحصیل و آموزش از برون (به یاری معلم)
خودشناسی و خلوت‌گزینی	باید برای کسب معارف باید در خود غور کنید.	تحصیل و آموزش از راه تفکر درونی
تقویت روحیه حقیقت‌جویی	باید روحیه تحقیق و کنجکاوی داشته باشید.	توجه به انواع آفریده‌های جهان
عبرت‌آموزی	باید در مورد سرگذشت و شرح حال پیشینیان مطالعه و تحقیق کنید.	مطالعه تاریخ گذشتگان و احوالات آنان
تفاوت‌های فردی، جامع‌نگری در علم	باید به توانایی‌ها و وسعت ذهنی آدمیان در کسب معارف توجه داشته باشید.	اعتقاد به اختلاف سطح مردم در درک حقایق و معارف
تلازم معرفت و تقوا، اصل جایگزین‌سازی رویکرد معناگرا به جای رویکرد ماده‌انگار محض	باید به خودسازی خویش پرداخته و تزکیه را مقدم بر تعلیم بشمارید.	عدم آلوده شدن نفس به گناهان
تذکر، عدم سوگیری	نباید از اعتقادات و اعمال غیرعلمی پیروی کنید.	عدم وجود یک اعتقاد باطل در مورد شناخت
تقویت روحیه حقیقت‌گرایی و پرهیز از تعصبات، لزوم اصلاح عقاید نادرست	باید از تقلید و تعصبات بی‌جا پرهیز کنید.	پرهیز از تقلید و تقلید بی‌حد و حصر به عقاید پیشینیان
زهد و ورع	باید قلب خود را برای پذیرش حقایق آماده سازید.	عدم آمادگی قلبی
کثرت‌گرایی در آموزش علوم	باید از عقل‌گرایی محض پرهیز نمایید.	پرهیز از عقل‌گرایی محض
تلازم معرفت و تقوا	در راه علم‌آموزی با پیشه کردن تقوا و عمل صالح باید در جست‌وجوی حقیقت برآیید.	عدم تمایل به شهوات

قبل از بحث پیرامون پاسخ سؤال دیگر پژوهش، ابتدا لازم است متذکر شویم که، جهت پیاده شدن اصول (بایدها و نبایدها) به روش های عملی نیاز است، که از آن ها به عنوان روش های تربیتی یاد می شود. (باقری، ۱۳۸۷: ۲۴۷). روش های تربیتی با کنار هم نهادن گزاره های تجویزی و اصول تربیت عقلانی استنتاج گردیده اند. لازم به ذکر است که از اصول تربیتی تکراری خودداری گردیده است. پاسخ سؤال پنجم پژوهش: پاسخ به سؤال پنجم پژوهش در جدول شماره چهار بیان شده است.

- مبنای معرفت شناختی دیدگاه غزالی چه مدلولاتی در حیطه ی روش های تربیت عقلانی دارد؟

جدول ۳. روش های تربیت عقلانی بر مبنای بنیان های معرفت شناختی غزالی

روش های تربیت عقلانی	اصول تربیتی استنتاج شده
روش تعلیم حکمت	تحصیل معرفت و حیانی
روش اعطای بینش	شناسایی عوامل سعادت و شقاوت آدمی
روش تعلیم حکمت	تحصیل معارف دینی و حکمت آموزی
روش اجرا و احترام به قوانین علمی	تکیه بر شواهد علمی
روش های ابراز توانایی و تکلیف به قدر وسع	اصل گزینش و آموزش مواد درسی ناظر به واقع
روش اجرا و احترام به قوانین علمی	اعتبار سنجی مطالب علمی
روش تکلیف به قدر وسع	تفاوت های فردی
روش فریضه سازی	تکیه بر مشاهده دقیق
مراقبه و محاسبه نفس	تلازم معرفت و تقوا
روش مرحله ای کردن تکلیف	فرضیه پروری و آزمون پذیری
الگوسازی و اسوه سازی	نقش الگویی معلم
الگویی الگوسازی	حفظ منزلت عالم
تحمیل به نفس	خودشناسی و خلوت گزینی
طلب علم، علم آموزی	تقویت روحیه حقیقت جوئی
تجربه اندوزی، موعظه و غفلت زدایی	عبرت آموزی
روش اعطای بینش	جامع نگری در علم
روش های زمینه سازی و تغییر موقعیت	اصل جایگزین سازی رویکرد معناگرا به جای رویکرد ماده انگار محض
عبرت آموزی، یادآوری نعمت ها	تذکر

اصول تربیتی استنتاج شده	روش‌های تربیت عقلانی
عدم سوگیری	روش‌های تلقین به نفس و فریضه سازی
تقویت روحیه حقیقت‌گرایی و پرهیز از تعصبات	روش‌های تحمیل به نفس و دعوت به حق‌گرایی
لزوم اصلاح عقاید نادرست	روش‌های غفلت‌زدایی و تبعیت از احسن
زهد و ورع	روش‌های تزکیه نفس و خویش‌بانی
کثرت‌گرایی در آموزش علوم	توجه به اقتضای علوم از حیث انواع روش

پاسخ سؤال‌های ششم و هفتم پژوهش:

- بنیان‌های معرفت‌شناختی ملاصدرا چه مدلولاتی برای اهداف تربیت عقلانی دارد؟
- بنیان‌های معرفت‌شناختی ملاصدرا چه مدلولاتی در حوزه‌ی اصول تربیت عقلانی دارد؟

جدول ۴. اهداف و اصول تربیت عقلانی بر مبنای بنیان‌های معرفت‌شناختی ملاصدرا

گزاره توصیفی	گزاره تجویزی (اهداف میانی)	اصول تربیتی استنتاج شده
یکی شدن عقل مستفاد با عقل فعال	باید در مسیر اتصال عقل مستفاد با عقل فعال تلاش نمود.	اندیشه ورزشی و تعقل
مقدمه و مهیاکننده‌ی نفس جهت عروج به عالم عقل	باید تمهیدات لازم را جهت عروج نفس به عالم عقل مهیا نمود.	اصل دستیابی به بصیرت، اصل‌گزینش مواد درسی با معیار تعالی وجودی
نیل به مرتبه‌ی شهود و دریافت معارف و حقایق معنوی	باید برای نیل به مرتبه‌ی شهود و حقایق معنوی تلاش نماید.	کمال‌یابی، اقسام حقیقی علم
اتحاد نفس با صور عقلی کلی	باید نفس را در مسیر اتحاد با صور عقلی کلی قرار دهید.	تکیه بر رویکردهای معناگرایی به‌جای رویکردهای مادی انگارانه
مشاهده فرشتگان مقرب درگاه الهی و عالم ملکوت	باید قادر باشید تا عالم ملکوت و فرشتگان مقرب الهی را بنگرید.	تکیه بر شهودگرایی در آموزش معارف
ارتحال از نشئه‌ی حس و عالم عینی به نشئه‌ی ادراک و عالم علمی	باید از عالم عین و حسیات به عالم علم و ادراک نائل گردید.	توسعه مداوم مرزهای وجود ذهنی مطابق با واقع
اتحاد جوهر مدرک با مدرکات خود	باید جوهر مدرک با مدرکات خود متحد گردد.	گزینش و آموزش مواد برنامه‌درسی تعالی محور وجودی، رعایت تدریج
مساوقت علم و معرفت با وجود	باید بین علم و وجود اتحاد ایجاد نمود.	جایگزین‌سازی نگاه وجود‌شناسانه به علوم به جای نگرش عرض‌پندارانه

اصول تربیتی استنتاج شده	گزاره تجویزی (اهداف میانی)	گزاره توصیفی
توجه به ارزش علم و معرفت، تحول باطن	باید معلوم در ذهن عالم ایجاد شود.	حصول و پیدایش معلوم در ذهن عالم
کثرت‌گرایی و وحدت‌گرایی در آموزش علوم و معارف	باید انواع علوم و معارف را برای متربی ارائه نماید.	اقسام حقیقی علم
رعایت مراحل تربیت، لزوم اصلاح همه‌جانبه	باید در ارائه معارف و علوم به فراگیر سلسله‌مراتب را رعایت نماید.	معرفت و علم دارای مراتب گوناگون و تشکیک مند است
تکیه بر شواهد علمی، اصل‌گزینش و آموزش مواد درسی ناظر به واقع	باید علوم با واقعیات منطبق باشند.	مطابقت (نظریه تطابق) وجود خارجی یا همان واقعیت با وجود ذهنی یا همان علم
تکیه بر شواهد، تکیه بر حقایق	باید به حقیقی بودن اشیاء خارجی وقوف یابد.	حقیقی بودن اشیاء و وجودات خارجی
تکیه بر مشاهده دقیق	باید حواس ظاهری را با تمرین‌های مرتبط تقویت نماید.	نقش حواس ظاهری بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و لامسه) در کسب علم و معرفت
تلازم معرفت و تقوا	باید حواس باطنی را در خود تقویت نماید.	نقش حواس باطنی (نفس حیوانی): خیالیه، حافظیه، وهمیه، ذاکره، متخیله و نفس ناطقه: متفکره و حس مشترک) در کسب علم و معرفت
جامع‌نگری در علوم، جامع‌نگری به نیازها و هدایت آن‌ها	باید با سطوح مختلف علم و معرفت آشنا گردد.	سطوح مختلف معرفت
ابداع تقسیم‌های جدید در علوم، کثرت‌گرایی در روش	باید بین اقسام معرفت و مراتب آن و روش‌های علمی تناسب برقرار کنید.	تناسب میان مراتب مختلف معرفت با روش‌های کسب معرفت
تقویت روحیه حقیقت‌گرایی و پرهیز از تعصبات	باید از تقلید و تعصبات بی‌جا پرهیز کنید.	اجتناب از تقلید و تعصبات و عادات رایج
تلازم معرفت و تقوا	در راه علم‌آموزی با پیشه کردن تقوا و عمل صالح باید در جست‌وجوی حقیقت برآید.	دوری از شهوات و خواسته‌های نفسانی

اصول تربیتی استنتاج شده	گزاره تجویزی (اهداف میانی)	گزاره توصیفی
توجه به خود آگاهی، تقویت روح و خودداری از لذت‌گرایی	باید به خودشناسی و خود آگاهی بپردازید.	معرفت به نفس خویش
لزوم توجه به اعمال بدنی، لزوم جهت‌دهی به اهداف	باید برای استعلای عقل، فرد به خودسازی بپردازد.	محصول حرکت جوهری نفس بودن عقل
جایگزین سازی نگاه وجود شناسانه به علم به جای نگرش عرض پندارانه	باید بین علم و عالم وحدت وجودی ایجاد نماید.	اتحاد و یگانگی وجودی بین علم و عالم

پاسخ سؤال هشتم پژوهش:

- مبانی معرفت‌شناختی دیدگاه ملاصدرا چه مدلولاتی در حیطه‌ی روش‌های تربیت عقلانی دارد؟

جدول ۵. روش‌های تربیت عقلانی بر مبنای بنیان‌های معرفت‌شناختی ملاصدرا

اصول تربیتی استنتاج شده	روش‌های تربیت عقلانی
اندیشه ورزی و تعقل	پرسشگری و تعلیم حکمت و تبعیت از احسن
اصل دستیابی به بصیرت	پرهیز از سطحی‌نگری و آینده‌نگری
اصل‌گزینش مواد درسی با معیار تعالی وجودی	روش مرحله‌ای کردن تکالیف
کمال‌یابی	اشتداد وجودی (صبرورت)
کثرت‌گرایی و وحدت‌گرایی در آموزش علوم و معارف	توجه به اقتضای علوم از حیث انواع و روش
تکیه بر رویکردهای معناگرایی به‌جای رویکردهای مادی‌انگارانه	روش‌های زمینه‌سازی و تغییر موقعیت
تکیه بر شهودگرایی در آموزش معارف	تکیه بر شهودگرایی و پرهیز از تجربه‌گرایی محض
توسعه مداوم مرزهای وجود ذهنی مطابق با واقع	توسعه و فراهم نمودن مستمر تجربیات جدید برای فراگیران
رعایت تدریج	روش‌های مرحله‌ای کردن تکالیف و محاسبه نفس
جایگزین سازی نگاه وجود شناسانه به علوم به‌جای نگرش عرض پندارانه	جایگزین سازی نگاه وجود شناسانه به مواد آموزشی برای مربیان و متریبان
توجه به ارزش علم و معرفت	روش اعطای بینش
تحول باطن	روش‌های دعوت به ایمان و اعطای بینش

اصول تربیتی استنتاج شده	روش‌های تربیت عقلانی
رعایت مراحل تربیت	روش‌های مرحله‌ای کردن تکلیف و تکلیف به قدر وسع و رعایت ترتیب آموزش
لزوم اصلاح همه‌جانبه	روش‌های زمینه‌سازی و تغییر موقعیت
تکیه بر شواهد علمی	پرهیز از سطحی‌نگری
تکیه بر حقایق	روش‌های تقویت روحیه حقیقت‌جویی فراگیران و طلب علم
تکیه بر مشاهده دقیق	روش پرهیز از سطحی‌نگری، بکارگیری حواس پنج‌گانه
تلازم معرفت و تقوا	مراقبه و محاسبه نفس
جامع‌نگری در علوم	توجه به اقتضای علوم از حیث انواع و روش
جامع‌نگری به نیازها و هدایت آن‌ها	مهار و مدیریت نیازهای جانبی متریبان
ابداع تقسیم‌های جدید در علوم	توجه به روش‌شناختی‌های مختلف مطالعات علمی و تکیه بر دروس مفاهیم کانونی
کثرت‌گرایی در روش	توجه به اقتضای علوم از حیث انواع و روش
تقویت روحیه حقیقت‌گرایی و پرهیز از تعصبات	روش‌های تحمیل به نفس و دعوت به حق‌گرایی و تقلید‌گریزی
توجه به خودآگاهی	روش تحمیل به نفس و اشتداد وجودی (صبرورت)
تقویت روح و خودداری از لذت‌گرایی	خوب‌بستن بانی و آرامش روانی و تهذیب
لزوم توجه به اعمال بدنی	آمادگی جسمانی و تربیت بدنی
لزوم جهت‌دهی به اهداف	آینده‌نگری و آینده‌پژوهی و الوهی دانستن انواع آموزش

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با توجه به پیشینه تحقیق؛ پژوهش‌های ارزشمندی تاکنون انجام پذیرفته است، که به مسئله تربیت از دیدگاه غزالی و ملاصدرا به‌طور مجزا پرداخته شده و یا در پاره‌ای به برخی از جنبه‌های تربیت مانند؛ تربیت اخلاقی، و یا برخی از مفاهیم معرفت‌شناسی مانند وجود ذهنی یا مفهوم معرفت و مراتب آن اشاره گردیده است. در مقام مقایسه، با توجه به تحقیقات انجام‌شده در این خصوص، می‌توان اظهار داشت، که امیدی (۱۳۸۸)، در تحقیق خویش هدف غائی تربیت را از دیدگاه غزالی تقرب به خدا دانسته و نیز جایگاه والای معلم و نقش الگویی را برای متریبان متذکر می‌گردد. لیکن غزالی را مخالف علوم طبیعی (تجربی) بیان می‌کند. حال آنکه بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، غزالی

هرگز تجربه‌گرایی را رد نکرده بلکه تنها با تکیه بر تجربه‌گرایی محض به مخالفت برخاسته است. همچنین بر اساس نتایج به عمل آمده توسط تفکر باری (۱۳۸۹)، غزالی برای معرفت مراتبی قائل می‌شود. و برای نیل به این معارف ابزار متناسب با هر یک را سفارش نموده و عقل را نیز عامل رسیدن به معرفت یقینی قلمداد نموده است. از این جهت یافته‌های آن مؤید نتایج پژوهش پیش رو است. یافته‌های رحمتی (۱۳۹۰)، نیز نشان داد که غزالی رشد و سلامت جسمی و روحی، پرورش روحیه علمی و خردپروری و اندیشه ورزی و تعالی دانش و تجربه را به عنوان هدف‌هایی برای تربیت به شمار آورده است. وی روش‌های تربیتی را که پیشنهاد می‌دهد عبارت است از: روش تعقل‌گرایی، تحلیل منطقی، روش‌های تحریک انگیز و شاد و روش‌های آموزش فعال که از این جهت همگی همسو با یافته‌های تحقیق حاضر است. همچنین یافته‌های شمس‌الدینی (۱۳۹۰)، نشان داد که از دیدگاه غزالی انسان قابلیت معرفت خداوندی را دارد و قلب وی محل تجلی حقایق ربانی است. و ماهیت شناخت را حصول صورت معلوم خارجی در نفس آدمی دانسته و راه‌های سه‌گانه شناخت را حس، عقل و دل دانسته است. همچنین تحصیل معرفت را از دو راه آموزش انسانی و تعلیم ربانی میسر می‌داند و از این لحاظ هم سو با نتایج حاضر بوده است. اما از جهتی که ابزار شناخت را تنها محدود به سه‌گانه‌ی مذکور نموده، تمایز نشان می‌دهد. در پژوهشی که توسط شجاعیان (۱۳۹۴)، انجام گرفته نقش عقل را در اخلاق و کسب فضائل اخلاقی نشان داده است. و نیز پایه و زیربنای معرفت‌شناسی غزالی و وحی معرفتی گردیده و ریشه معرفت‌شناسی وی را در معنویت دانسته است. در حالی که نتایج تحقیق حاضر نشان داد که وحی به عنوان یکی از سرچشمه‌های نظام معرفت‌شناختی غزالی مطرح بوده است. همچنین یافته‌های حیدریان (۱۳۹۵)، بیانگر آن بود که انسان از راه آموزش متعارفی که به یاری عقل و حواس صورت می‌پذیرد به شناخت نائل می‌گردد. غایت این نوع معرفت نیز تحقق سعادت انسان بیان شده که از این بابت با نتایج تحقیق پیش رو هم‌گرایی نشان می‌دهد.

در پژوهش دیگری که توسط شفیع (۱۳۸۶)، صورت گرفت، فعالیت و خلاقیت نفس، انعطاف‌پذیری، تدریجی بودن، مداومت، فردیت، درونی بودن، جامعه‌پذیری و تنوع و خلاقیت در کاربرد روش‌های آموزشی از جمله مهم‌ترین اصولی است که از مبانی معرفت‌شناختی ملاصدرا استنتاج گردید، که در بیشتر موارد با نتایج تحقیق حاضر هم‌سوئی نشان داد. همچنین در نتایج تحقیق فخار نوغانی (۱۳۸۶)، مراحل ادراک عقلی از منظر صدرالمتألهین نشان داد که ادراک عقلی

و تحقق صور کلیه با سه رویکرد متفاوت بیان گردیده است. نخست؛ مشاهده صورت‌های عقلیه از بعید. دوم؛ افاضه صورت از عقل فعال و سوم؛ که برای سالک واصل محقق می‌شود. لذا این سه رویکرد که نشان‌دهنده مراحل سه‌گانه ادراک عقلی از منظر صدرایه به شمار می‌روند که دقیقاً با یافته‌های پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد. نتایج پژوهش منفرد (۱۳۸۸)، بیانگر آن بود که ملاصدرا همواره نقصان عقل را از طریق کشف و وحی جبران نموده است و همواره عقل به معنای استدلال فردی برای او یک اصل بوده است. همین نکته مبین جایگاه بالای عقل در نظام معرفت‌شناسی صدرایه است و بالطبع مؤید نتایج تحقیق حاضر نیز است. در تحقیق دیگری که مظاهری (۱۳۸۹)، انجام داده است، مبانی تربیتی مترتب بر معرفت‌شناسی ملاصدرا را: طرد ثنویت نفس و بدن (درهم تنیدگی نفس و بدن)، مساوقت علم با وجود، وحدت تشکیکی علم، مجرد شناخت، طرد حصر علم در علم تجربی و... دانسته است. همچنین برخی از اصول تربیت صدرایی عبارت‌اند از: جامع‌نگری در علم، اسناد، تفرّد، خودشناسی، توجه به مراتب نیاز و استعدادهای آدمی، ارزشمندی علم، تعلیم و تعلم؛ ضمن آنکه درون‌نگری، حکمت‌آموزی، سیر آفاقی، سیر انفسی، بسترسازی جهت تحقق کشف و... نیز از روش‌های تربیت صدرایی مبتنی بر وجه معرفت‌شناسی را استنتاج نمود. همه یافته‌های مذکور با نتایج پژوهش حاضر هم‌سو است. مبانی اساسی معرفت‌شناسی صدرایی بر اساس یافته‌های شواخی (۱۳۹۱)، نیز عبارت بودند از: الف) مساوق بودن معرفت با وجود، ب) کل قوا بودن نفس ناطقه‌ی انسان، پ) اتحاد عالم، معلوم و علم، ث) تقدم عقل نظری بر عقل عملی، ج) برقرار بودن موازنه میان عالم محسوس و عالم معقول و ت) سلسله مراتبی بودن معرفت. که این نتایج نیز با نتایج تحقیق حاضر هم‌سوئی دارد. بنابراین می‌توان در مقام قیاس، به وجوهی از شباهت میان یافته‌های این تحقیق با برخی پژوهش‌های انجام‌شده اشاره کرد، اما وجه تمایز این پژوهش با سایر تحقیقات در این بوده است که مشخصاً به صورت بسیار تخصصی وارد مقوله تربیت عقلانی از منظر غزالی و صدرالمتالهین گردید. و با مقایسه تحلیلی بنیان‌های معرفت‌شناختی ایشان به ارائه مدلولات تربیت عقلانی در حوزه اهداف و روش‌ها پرداخت که به‌طور مشروح پیش‌تر بدان‌ها اشاره گردید.

بنابراین با توجه به این که تحقیق مستقلی با عنوان مطرح‌شده انجام نگرفته و پژوهش‌های انجام گرفته نیز ناکافی است، از این رو ضرورت انجام این تحقیق اثبات می‌شود. هدف اصلی پژوهش حاضر آن بوده است که با بهره‌مندی از مبانی معرفت‌شناختی غزالی و صدرالمتالهین

مدلولاتی را با رویکرد استنتاجی در حوزه اهداف و اصول و روش‌های تربیت عقلانی ارائه دهد. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی بوده است و در آن از روش تحلیلی-استنباطی استفاده شده است. در بخش نخست ابتدا مهم‌ترین بنیان‌های معرفت‌شناختی غزالی و ملاصدرا را از حیث ده مبنا ارائه گردید. سپس در بخش دوم پژوهش با توجه به این بنیان‌های معرفت‌شناختی مدلولاتی در حوزه اهداف (گزاره‌های تجویزی) و اصول (نیز بر مبنای همان گزاره‌های توصیفی و تجویزی) و روش‌های تربیت عقلانی (بر مبنای همان اصول) استنتاج شده است. اگرچه این عناصر (اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی) از حیث کاربرد با هم متفاوت هستند و هر کدام رسالت خاصی را در فرایندهای تربیتی ایفا می‌نمایند اما وجود سنجیت‌ها و ارتباطاتشان غیرقابل انکار است. بر اساس این روند بود که اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی مشخص شد که هر کدام از این عناصر در قالب جدول‌هایی در مقاله به تصویر کشیده شد که جهت جلوگیری از اطاله کلام در این بخش از ذکر مجدد آن‌ها خودداری می‌شود.

بر اساس مدلولات حاصله از بررسی مبانی معرفت‌شناختی غزالی و ملاصدرا در حوزه اهداف و اصول تربیت عقلانی، باید موارد ذیل در نظام آموزش و پرورش مورد توجه قرار گیرد:

در جهت تنظیم و تدوین اهداف تربیت عقلانی برای نظام آموزشی، باید عقل به منزله مدرک علوم و تجرید کننده مفاهیم، امکان کسب معرفت برای همگان، عقل به مثابه منبع شناخت، طبیعت «آفریده‌های عالم» به مثابه منبع شناخت، قلب «دل» به مثابه منبع شناخت، تقویت حواس ظاهری (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و لامسه)، تقویت حواس باطنی (خیالی)، عدم تکیه صرف بر عالم عین و توجه به سایر علوم (شهودی و ذوقی)، رعایت سلسله‌مراتب (از ساده به پیچیده و انتزاعی) در امر آموزش و ارائه معارف و علوم، نیل به شناخت فرا مفهومی (حقیقی) به مثابه هدفی از آموزش کلاسی، نقش الگویی معلم، ارتقاءشان و منزلت مربی در نزد متربی، تأمل درونی و تفکر از اعماق وجود راهی برای کسب برخی از علوم، خودشناسی و خودآگاهی، پرهیز از تقلید کورکورانه و تعصبات بی‌جا، خودداری از تن دادن به تمایلات پست و حیوانی، خودسازی و تزکیه در جریان تحصیل، منطبق بودن علوم با واقعیات، تعیین صحت فرضیات علمی به وسیله‌ی آزمایش، رسیدن از معرفت عقلانی به معرفت وحیانی و عروج نفس به عالم عقل، استعلا‌ی عقلی به مدد آموزش علوم ضروری، بصیرت‌افزایی، استکمال عقلی به کمک معارف و آموزه‌های دینی، اتحاد نفس با صور عقلی، رعایت سلسله‌مراتب و استدراج در ارائه معارف برای رشد قوای عقلانی، ایجاد اتحاد بین

عالم و معلوم، استمداد از منابع شرع مقدس (قرآن و روایات و سنت)، معیار قرار دادن منابع معارف دینی جهت محک محتوای آموزش، اهتمام در راستای معرفه النفس (خودشناسی) در روند آموزش، تقویت نقش حواس باطنی (معرفت وهمیه، ذاکره و مصوره)، ارتقاء بخشیدن به جایگاه دروسی مانند: تاریخ و ادبیات در برنامه آموزشی، رعایت مراتب شناخت در امر آموزش، اهمیت شک و تردید در نخستین گام‌های تدریس، آزمون گمان‌ها، رعایت روند آموزش از محسوسات و اعیان به ادراکات عقلی و برهانی، اعتلاء همواره توانائی و وسعت ذهنی در جریان آموزش، ارتقاء قوه تفکر، مدنظر داشتن آمادگی‌های جسمانی و روانی در روند آموزش، عدم افراط و اجبار به انجام اعمال عبادی، رعایت پیش‌نیازها و مقدمات در آموزش علوم گوناگون، لحاظ کردن درس روانشناسی به عنوان درس مشترک در همه‌ی رشته‌ها، تأکید همواره بر محتوای عقل‌گرایانه در فرایند آموزش و برنامه‌ریزی درسی، عدم مخالطت و مجالست با حلقه‌های قدرت و فساد، دادن آگاهی به متربیان، از افتادن آنان در دام مدعیان شیاد و دروغ‌گو (الگوهای فاسد و فریبکار) و اتصال عقل مستفاد با عقل فعال مورد توجه قرار گیرد.

بر اساس مدل‌ولات حاصله از بررسی مبانی معرفت‌شناختی غزالی و ملاصدرا در حوزه روش‌های تربیت عقلانی، باید موارد ذیل در نظام آموزش و پرورش مورد توجه قرار گیرد:

در برنامه آموزشی و درسی نظام آموزشی، باید روش به کارگیری مفاهیم انتزاعی بیشتر در جریان آموزش، روش چند حسی (مختلط)، روش بازی نقش یا ایفای نقش، روش تدریس کشف مفاهیم، روش تدریس فرایندی، روش آموزش همگانی، روش حکمت‌آموزی، روش حل مسئله، روش استدلال، روش استقراء، روش: قیاس، روش آشنایی نزدیک با پدیده‌های طبیعی و مشاهده پدیده‌ها به شکل مستقیم (روش مشاهده‌ای)، روش گردش علمی، روش کاوشگری، روش تکیه بر شهود در فرایند تدریس، روش کاربرد حواس پنج‌گانه، روش آموزش بین‌رشته‌ای، روش اکتشافی، روش آموزش هنر، روش تدریس مبتنی بر خلاقیت، روش تدریس مبتنی بر تفکر و تصمیم‌گیری تحلیلی، روش آموزش از طریق مراحل سه‌گانه (شهود - نیمه شهود - ذهنی)، روش تدریس مبتنی بر نظریه فراشناخت، روش تدریس سنتی (تدریس به‌وسیله‌ی معلم)، روش نمایش عملی، روش خلوت‌گزینی، روش پرسش و پاسخ، روش مراقبه و ذهن آگاهی، روش ثبت روزانه وقایع، روش بارش مغزی، روش بدیعه‌پردازی، روش مقابله و جهاد با نفس، روش پندپذیری، روش قناعت و دوری از رفاه‌زدگی، روش تزکیه، روش واحد محور یا پروژه، روش آزمایشی

(آزمایشگاهی)، روش کاوشگری علمی، روش برهان نظم (رسیدن به معرفت الهی از طریق دیدن نظم خلقت جهان) و روش سیر و سلوک نظری و عملی، روش برانگیختن تصاویر ذهنی و توصیف آن با دادن تمرین‌های مربوط، روش تجسم و تجسم خلاق، روش فعال کردن قوه تصور و تداعی، روش حل مسئله و تفکر نقادانه، روش تفکر در تاریخ، روش یادآوری نعمت‌های الهی، روش نمایشی (نمادین)، روش دوراندیشی در امور، روش پیروی از عالمان اهل بصیرت، روش قصه‌گویی، روش الگویی (استفاده از مثال)، روش آموزش علوم حصولی (دانش‌های حصولی)، روش آموزش برنامه‌ای، روش تسری بخشیدن فرهنگ اتحاد عالم و معلوم در عرصه‌های گوناگون زندگی فراگیران، روش معرفی الگوهای برتر در زندگی، روش تربیت عملی، روش آموزش معیارها، روش ذکر و مراقبه، روش تأدیب و تقویت قوای باطنی از طریق عبادت (عبادت حقیقی)، روش تفکر در تاریخ، روش ایجاد شک و طرح یک معمای ذهنی برای فراگیر، روش قیاس، روش استقراء، روش آموزش فعال، روش پرسش و پاسخ، روش مشارکتی و ایجاد جو دوستانه‌ی کلاس، روش تعریف پروژه (واحد کار) برای فراگیران، روش به‌کارگیری سؤالات تحلیلی، روش انجام حرکات ورزشی (ورزش‌های هوازی) قبل از شروع آموزش، روش نقل داستان‌های جذاب درباره‌ی عبادات به‌ویژه نماز، روش ارتباط کودکان با اماکن مذهبی، روش توجه دادن متری به نعمت‌های الهی، روش تهیه و تدوین فهرستی از مطالب پیش‌نیاز در آن رشته علمی، روش گزینش بهترین منابع برای تأمین پیش‌نیازهای موردنیاز، روش نیازسنجی، روش گنجاندن درس روان‌شناسی در برنامه‌ی درسی هفتگی دبیرستان در کلیه‌ی رشته‌ها، روش برگزاری همایش‌هایی با موضوع روان‌شناسی و ذهن، روش تدریس «مسئله محور»، روش طاغوت‌گریزی، روش تهذیب و تزکیه نفس و روش استکمال نفس ناطقه (عقل مستفاد) از طریق تعلیم آن مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

منابع فارسی:

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۷۰)، *منطق و معرفت در نظر غزالی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۶)، *الاشارات و التنبهات*، ترجمه: حسن ملک‌شاهی، تهران: سروش.
- اسمیت، فیلیپ جی (۱۳۹۰)، *فلسفه آموزش و پرورش*، ترجمه: سعید بهشتی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی (شرکت به نشر).

- آقازاده، احمد (۱۳۷۷)، تاریخ تحول دانش آموزش و پرورش تطبیقی و بین‌المللی، تهران: انتشارات افراسیاب.
- اوزمن، هوزاد؛ کراور، سمونل.ام (۱۳۷۹)، مبانی فلسفی تعلیم و تربیت، ترجمه: گروه علوم تربیتی، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- انتظام، سید محمد (۱۳۷۸)، ابتکارات فلسفی صدرالمتألهین، نشریه خردنامه، ش ۱۶.
- ایمانی، محسن (۱۳۷۸)، تربیت عقلانی، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- باقری، خسرو (۱۳۸۹)، درآمدی بر فلسفه‌ی تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- باقری، خسرو (۱۳۹۵)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه.
- بختیار نصرآبادی، حسن علی؛ نوروزی، رضا علی؛ رحمان پور، محمد (۱۳۸۶)، درآمدی بر تعلیم و تربیت و مبانی آن از دیدگاه غزالی، مجله تربیت اسلامی، س ۲، ش ۴.
- بدوی، عبدالرحمن (۱۹۷۴)، المثل العقلیه الافلاطونیه، بیروت: انتشارات دار القلم.
- بهار نژاد، زکریا (۱۳۸۵)، مقایسه شک امام محمد غزالی و رنه دکارت، نشریه آینه معرفت، دانشگاه شهید بهشتی، ش: ۳-۴.
- بهشتی، سعید (۱۳۹۰)، کاوش‌هایی در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بر مبنای شماری از دیدگاه‌های معرفت‌شناختی صدرالمتألهین، فصلنامه اندیشه نوین دینی، ش ۲۶: ۱۴۳-۱۶۴.
- بهشتی، سعید؛ رشیدی، شیرین؛ کشاورز، سوسن؛ صالحی، اکبر (۱۳۹۶) الف، ارائه الگوی نظری تربیت عقلانی جهت نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی بر اساس مبانی معرفت‌شناختی قرآن کریم، فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، س ۲، ش ۲: ۷-۳۶.
- بهشتی، سعید؛ رشیدی، شیرین؛ کشاورز، سوسن؛ صالحی، اکبر (۱۳۹۶) ب، تحلیل تطبیقی بنیان‌های معرفت‌شناختی بر اساس دیدگاه‌های استاد مطهری و استاد جوادی آملی، دو فصلنامه عقل و دین، موسسه دین پژوهی علوی، س ۹، ش ۱۶.
- بهشتی، سعید؛ ملکی، حسن؛ ویسی، غلامرضا (۱۳۹۲)، سیاست‌های حاکم بر اهداف آموزشی در معرفت‌شناسی استاد مطهری و کاربرد آن در نظام جمهوری اسلامی ایران، نشریه پژوهش‌های سیاست اسلامی، س ۱ ش ۳: ۱۷۳-۱۹۶.
- بهشتی، سعید (۱۳۸۶)، زمینه‌ای برای بازشناسی و نقادی فلسفه تعلیم و تربیت در جهان غرب، تهران: انتشارات اطلاعات.
- بهشتی، سعید (۱۳۸۹)، تأملات فلسفی در تعلیم و تربیت، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌المللی.
- بهشتی، سعید (۱۳۹۶) ج، نظریه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بر مبنای حکمت متعالیه (نظریه حکمت متعالیه تعلیم و تربیت)؛ مفهوم‌شناسی و روش‌شناسی، نشریه قیسات، سال ۲۲: ۳۷-۷۱.

- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۴)، درس‌نامه دوره تربیتی تشکیلاتی خط امام (درس‌نامه اصول و روش‌های تربیت اسلامی)، تهران: سازمان بسیج دانشجویی، معاونت تعلیم و تربیت.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲)، معرفت‌شناسی در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲)، رحیق مختوم، شرح حکمت متعالیه، قم: انتشارات اسراء.
- حجازی، احمد (۱۴۰۷)، المطالب العالیه، جلد سوم، بیروت: منشورات الشریف الرضی.
- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۸۱)، انسان و قرآن، قم: انتشارات قیام.
- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۸۷)، شرح فارسی الاسفار الاربعه، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۶۹-۱۳۷۹)، شرح منظومه المحقق السبزواری، تهران: نشر ناب.
- حسین‌زاده، محمد (۱۳۹۶)، معرفت‌شناسی، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- حقیقت، لاله؛ صادقیان، فاطمه (۱۳۹۰)، ارتباط وجودشناسی از منظر صدرالمتألهین، مجله اندیشه دینی دانشگاه شیراز، ش: ۳۸: ۱۷۵-۱۹۸.
- خمینی، روح (۱۳۷۷)، شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- رقوی، جوادی؛ عارفی، محمد اسحاق؛ قربانی، علی؛ ندائی، محمدعلی؛ وحیدیان، محمد (۱۳۸۶)، مجموعه مقالات معرفت‌شناسی، گروه پژوهشی فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- زرگر، نرگس (۱۳۹۳)، تقدم فرآیندهای شناختی بر زبان در فلسفه زبان ملاصدرا، نشریه فلسفه، س ۴۲، ش ۲.
- زمانی، محسن (۱۳۹۳)، آشنایی با معرفت‌شناسی، تهران: نشر هرمس.
- سبزواری، هادی بن مهدی (۱۳۸۳)، شرح منظومه حکیم سبزواری، شرح: سید رضی شیرازی، تهران: انتشارات حکمت.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۷۹)، فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سخنور، محمد داود (۱۳۸۹)، نقش عقل در معرفت دینی از دیدگاه محمد غزالی و کی یرگگور، قم: مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- سهروردی، شهاب‌الدین یحیی (۱۳۸۰)، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، تصحیح و مقدمه‌ی: هانری کربن، تهران: انتشارات علوم انسانی.
- شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم (۱۳۸۲)، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، تصحیح و مقدمه‌ی سید مصطفی محقق داماد، تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

- شجاری، مرتضی (۱۳۸۷)، تفاوت علم و وجود ذهنی در معرفت‌شناسی ملاصدرا و بررسی نتایج آن، فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت، شماره ۱۴، (۸-۳۲).
- شمس‌الدینی، مصطفی (۱۳۹۰)، مبانی معرفت‌شناسی از دیدگاه امام محمد غزالی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام نور، دانشکده علوم انسانی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۱) الف، عرفان و عارف نمایان (کسر اصنام الجاهلیه)، ترجمه: محسن بیدار فر، تهران: نشر الزهرا (س).
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۱) ب، التصور و التصدیق، قم: انتشارات بیدار.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۸)، الحکمہ المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، قم: مکتبه المصطفوی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۱) الف، ایقاز النائمین، تصحیح: محسن مؤیدی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم؛ کورین، هانری (۱۳۸۱)، مقدمه بر المشاعر صدرالمتهلین شیرازی، مترجم و شارح: عماد الدوله بدیع الملک بن امامقلی، ترجمه: کریم مجتهدی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳)، ترجمه و تفسیر الشواهد الربوبیه، ترجمه: جواد مصلح، تهران: انتشارات سروش.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۳)، مفاتیح الغیب، تصحیح: محمد خواجوی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۴۱)، عرشیه، ترجمه و تصحیح: غلامحسین آهنی، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- صدر المتهلین، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱)، الحکمہ المتعالیه، جلد اول و هشتم، بیروت: دارالاحیاء التراث.
- صدرالمتهلین، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۱) ب، العرشیه، تهران: نشر مولی.
- طهرانی، سید هاشم (۱۳۵۴)، توضیح المراد، تهران: انتشارات کتابخانه ملی.
- عارفی، عباس (۱۳۸۸)، معرفت و گونه‌های یقین، مجله معارف عقلی، س ۴، ش ۲.
- عبدالکریم، عثمان (۱۳۶۹)، روانشناسی از نظر غزالی و دانشمندان اسلامی، ترجمه: سید محمدباقر حجتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عبدالکریم سالم، عبدالجلیل (۱۳۹۶)، تاویل نظری و عملی از دیدگاه غزالی، ترجمه: بتول واعظ، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- علم الهدی، جمیله (۱۳۸۴)، مبانی تربیت اسلامی و برنامه‌ریزی درسی بر اساس فلسفه صدرا، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

علیزاده، عبدالرضا؛ اژدری زاده، حسین؛ کافی، مجید؛ زیر نظر: دکتر محمد توکل (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی معرفت، جستاری در تبیین رابطه «ساخت و کنش اجتماعی» و «معرفت‌های بشری»، قم: نشر موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.

غزالی، ابو حامد محمد (۱۴۰۶)، احیاء علوم الدین، ج سوم، تصحیح: عبدالرحیم بن حسین حافظ عراقی، بیروت: دارالکتب العربی.

غزالی، ابو حامد محمد (۱۳۸۳)، کیمیای سعادت، مصحح: حسین خدیو جم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

غزالی، ابو حامد محمد (۱۴۱۶) الف، مجموعه رسائل الامام غزالی: المنقذ من الضلال، بیروت: دارالفکر.

غزالی، ابو حامد محمد (۱۴۱۶) ب، مجموعه رسائل الامام غزالی، میزان العمل، بیروت: دارالفکر.

غزالی، ابو حامد محمد (۱۴۱۶) پ، مجموعه رسائل الامام غزالی، مقاصد الفلاسفه، بیروت: دارالفکر.

غزالی، ابو حامد محمد (۱۴۱۶) ت، مجموعه رسائل الامام غزالی، معارج القدس، بیروت: دارالفکر.

غزالی، ابو حامد محمد (۱۴۱۶) ث، مجموعه رسائل الامام غزالی، معیار العلم، بیروت: دارالفکر.

غزالی، ابو حامد محمد (۱۴۱۶) ج، مجموعه رسائل الامام غزالی، منهاج العارفين، بیروت: دارالفکر.

غزالی، ابو حامد محمد (۱۴۱۶) چ، مجموعه رسائل الامام غزالی، الرسالة اللدنیه، بیروت: دارالفکر.

غزالی، ابو حامد محمد (۱۴۱۶) ح، مجموعه رسائل الامام غزالی، معراج السالکین، بیروت: دارالفکر.

غزالی، ابو حامد محمد (۱۴۱۶) خ، مجموعه رسائل الامام غزالی، فاتحه العلوم، بیروت: دارالفکر.

غزالی، ابو حامد محمد (۱۴۱۶) د، مجموعه رسائل الامام غزالی، القسطاس المستقیم، بیروت: دارالفکر.

غزالی، ابو حامد محمد (۱۴۱۶) ذ، مجموعه رسائل الامام غزالی، المستصفی من علم الاصول، ج ۱، بیروت: دارالفکر.

غزالی، ابو حامد محمد (۱۴۱۶) ر، مجموعه رسائل الامام غزالی، روضه الطالبین، بیروت: دارالفکر.

غزالی، ابو حامد محمد (۱۴۱۶) ز، مجموعه رسائل الامام غزالی، مشکوه النوار، بیروت: دارالفکر.

غزالی، ابو حامد (۱۳۶۰)، شک و شناخت (المنقذ من الضلال)، ترجمه: صادق آئینه‌وند، تهران: انتشارات امیرکبیر.

غزالی، ابو حامد محمد؛ خوارزمی، مؤید الدین (۱۳۸۶)، ترجمه احیاء علوم الدین، مصحح: حسین خدیو جم، تهران: نشر علمی و فرهنگی.

غفاری قره باغ، احمد (۱۳۹۴)، تبیین ادراک عقلی از دیدگاه حکمت متعالیه. فصلنامه آیین حکمت، ش ۲۵ : ۹۰.

فاخوری، حنا؛ خلیل، جر (۱۳۸۱)، تاریخ فلسفه در جهان اسلام، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

فروغی، محمدعلی (۱۳۴۴)، سیر حکمت در اروپا، تهران: انتشارات کتاب‌فروشی زوار.

کورین، هانری (۱۳۶۱)، تاریخ فلسفه‌ی اسلامی، ترجمه: اسدا... مبشری، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- گروه نویسندگان (۱۳۹۰)، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- گلکار، محمدحسین (۱۳۹۵)، پارادایم شبکه‌ای و مقایسه آن با پارادایم‌های رایج، مشهد: انتشارات موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.
- محمودی بیات، ملیحه؛ شاکری زواردهی، روح‌الله (۱۳۹۳)، ترابط عقل و ایمان از دیدگاه غزالی و ملاصدرا، مجله فلسفه‌ی دین، ش ۴: ۶۹۱-۷۱۴.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۴)، آموزش فلسفه، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، مسئله شناخت، تهران: انتشارات صدرا.
- معلمی، حسن (۱۳۷۷)، معرفت‌شناسی در فلسفه اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۴۲۸)، الحکمه المتعالیه، جلد سوم، قم: انتشارات طلیعه‌ی نور.
- میرباقری، مرتضی؛ صفری کندسری، رضا (۱۳۸۷)، ارزش شناخت در فلسفه‌ی ملاصدرا، نشریه ذهن، ش: ۳۴-۳۵.
- نجاتی، محمد عثمان (۱۳۹۵)، روان‌شناسی از دیدگاه دانشمندان مسلمان، ترجمه: سعید بهشتی، تهران: انتشارات رشد.
- نر، جی.اف (۱۳۸۳)، آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه: فریدون بازرگان دیلمقانی، تهران: انتشارات سمت.
- وفاییان، محمدحسین (۱۳۹۵)، تبیین "معرفت تشکیکی" بر پایه‌ی وجود انگاری معرفت در حکمت متعالیه، فصلنامه اندیشه‌ی دینی دانشگاه شیراز، ش: ۲: ۱۲۹-۱۴۴.

مدلولات تربية العقلانية فى الهندسة المعرفية لأبى حامد الغزالى و صدر المتالهي

محمد العلاى *

سعيد البهشى **

أحمد السلحشورى ***

تهدف هذه الدراسة الحاضرة إلى تحليل مقارن للأسس المعرفية بناءً على آراء الغزالي والملاصدرا واستنتاج مدلولاتها فى مجال التربية العقلانية مع التأكيد على أهدافها و اصولها و مناهجها التربوية. تحكى النتائج الحاصلة أولاً عن أن كلا الخبيرين فى ارضية امكان اكتساب المعرفة يعتقدان بإمكانية اكتساب المعرفة بحقائق عالم الوجود لجميع البشر. أيضاً ، وفقاً للآراء حول مصادر المعرفة التى يقدمها كل منهم ، فقد اقترحوا طرقاً مختلفة لاكتساب المعرفة. وفقاً لهذه المبادئ ، يمكن استخراج مدلولات التربية العقلانية فى شكل الأهداف و الاصول و المناهج التربوية. بعض الأهداف من وجهة نظر الغزالي هى : مطابقة العلوم مع الحقائق ، والانتقال من المعرفة العقلانية إلى المعرفة الوحيانية، و... . بعض الاصول هى : تحصيل المعرفة الوحيانية، والاعتماد على الشواهد العلمية ، ومعرفة النفس ، واتخاذ العزلة ، و... . بعض الأساليب التربوية تشمل: تعلم العلوم ، والنمذجة ، والتشاور مع الحكماء ، و امحاء الغفلة و ... بعض الأهداف من منظر الملاصدرا هى: محاولة عروج النفس إلى عالم العقل ، والانتقال من عالم العين إلى عالم العلم ، عرض العلوم على أساس تسلسل المراتب ؛ بعض اصول التربية العقلانية هو: التفكير والتعقل ، والاستكمال ، والاعتماد على الشهود فى تعليم المعارف و.... بعض الأساليب التربوية تشمل: الشدة الوجودية (الصيرورة) ، وتجنب السطحية و المستقبلية ، والاعتماد على الشهود والتجنب عن التجريبية الخالصة ، والاهتمام بمنهجيات الدراسات العلمية المختلفة ، والاعتماد على دروس المفاهيم المركزية core concepts.

الكلمات الرئيسية: نظرية المعرفة، التربية العقلانية، الغزالي، صدر المتالهي.

* طالب دكتوراه فى فلسفة التعليم و التربية الإسلامية، برديس تحصيلات التكميلية المستقل، جامعة العلامة الطباطبائي، طهران، الإيران.

** الكاتب المسؤول: الأستاذ، قسم فلسفة التعليم و التربية الإسلامية، جامعة العلامة طباطبائي، طهران، الإيران.

*** أستاذ مشارك، قسم فلسفة التعليم و التربية الإسلامية، جامعة العلامة الطباطبائي، طهران، الإيران.

The Purports of Intellectual Education in the Epistemological Geometry of Abu Hamed Ghazali and Sadr al-Mutallah

Mohammad Allae *

Saeed Beheshti **

Ahmad Salahshouri ***

The purpose of the present study is a comparative analysis of epistemological foundations based on the views of al-Ghazali and Mulla Sadra and the deduction of its models in the field of rational education with emphasis on its educational goals, principles and methods. The findings suggested that both scholars first consider the possibility of acquiring knowledge of the facts of the universe available to all human beings. According to these principles, the modules of rational education can be extracted in the form of educational goals, principles and methods. Some of the goals from al-Ghazali's perspective are: Transition from rational knowledge to revelation knowledge and ... Some principles are: Revelation, relying on scientific evidence, etc. Some of the educational methods include: learning, modeling Some of the goals of Mulla Sadra's view are: trying to ascend the soul to the realm of intellect, transforming from the real to the realm of science ... and some of the principles of intellectual education are: thinking and reasoning, perfectionism, and so on. Some of the educational methods include: being existential, relying on intuition and avoiding pure empiricism, paying attention to different methodologies of scientific studies, and relying on core concepts- courses.

Keywords: Epistemology, Intellectual Education, Al-Ghazali, Sadr al-Mutallah.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* PH.D Candidate in the Islamic Educational and Training Philosophy, Self-governing Pardis Branch, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

** Full Professor, Department of the Islamic Educational and Training Philosophy, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

*** Associate Professor, Department of the Islamic Educational and Training Philosophy, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.